

که آنها مکاتب دهکده است که در قراقرز باشد گمان میکند اگر اینطور باشد باید این ماده بکلی حذف شود بواسطه اینکه تعلیمی هیچوجه بهمه درایا نیست بجهت اینکه اینجا میباید مغارج مدارس ابتدایه در قصبات و بلاد بهمه دولت و مغارج آنها از محل مالیاتی که در هر محل بموجب قانون برقرار میشود پرداخته خواهد شد پس این ماده زیادتی است و راجع است بهمان مکاتب دهکده.

**دکتر علیخان** - تقاضا میکنم این ماده را ارجاع بکنید بکمیسیون.

**رئیس** - عرض میکنم که بعضی اصلاحات هم بود آنها هم راجع میشود بکمیسیون ولی استدعا میکنم که اصلاحاتی که میشود مطابق نظامنامه ذکر شود که راجع بکدام ماده است بجهت اینکه وقتی که اینها رجوع میشود بکمیسیون آنها نمیتوانند متعلق بکدام ماده است.

**ماده ۲۴** - مغارج مدارس عالی بهمه دولت است لکن متعلمین این مدارس هم باید بر طبق نظامنامه که وزارت معارف ترتیب خواهد داد بمغارج مدرسه کمک نمایند.

**رئیس** - رای میگیریم بماده ۲۴ - آقایانی که موافق هستند قیام نمایند.

(با اکثریت ۲۷ رای تصویب شد)

**ماده ۲۵** - مغارج مدارس غیرمجانای دولتی باندازه که از شاگردان وجه تدریس اخذ میشود از این محل بقیه مغارج برعهده دولت است.

**حاج سید ابراهیم** - اینجا يك قدری ابهام دارد مغارج مدارس غیرمجانای شامل مدارس دهکده که گفته شده میشود یا اینکه مدارس خاصی تاسیس میشود یا اینکه مخصوص بهر مدرسه است که دولت تاسیس کرده است این صحیح نیست و با آن ماده که راجع بقرآن و قصبات بود موافقت نمیکند.

**دکتر علیخان** - آنچه راجع به مدارس و قصبات بود گذشت حالا این مواد راجع به مدارس است که در شهرها تاسیس میشود هیچ ربطی به آن مدارس ندارد و تصویب آن مدارس است که در شهرها تاسیس میشود و غیرمجانای است.

**رئیس** - عرض میکنم که در شور اول بعضی اصلاحات پیشنهاد شده بود آنها را فرستاده اند به کمیسیون و هیچوجه از آنها باقی نمانده مثلا در اینجا يك جمله اضافه شده بود که در صورتی که تفاوتی پیدا شود آنها هم راجع بدولت است اگر این قبیل اصلاحات را کمیسیون قبول میکند باید طبق توزیع شود میان آقایان نمایندگان که بدانند از چه مأخذ بوده است که این را کمیسیون رای داده است.

[از طرف آقای فیهام الملك اصلاحی پیشنهاد و بمضمون ذیل خوانده شد].

اصلاح عبارت ماده ۲۵ - مغارج مدارس غیرمجانای دولت از محل حق التعلیمی است که از شاگردان اخذ می شود و چنانچه کمتری داشته باشد برعهده دولت است.

**رئیس** - آقای مغیر چه میفرمائید.

**دکتر علیخان** - بسیار خوب است. **رئیس** - پس بهین پیشنهاد رای میگیریم آقایانی که موافق هستند با این پیشنهاد آقایان فیهام الملك قیام نمایند (با اکثریت ۶۸ رای تصویب شد). **ماده ۲۶** - مکاتب و مدارس مجانی که بخرج دولت دایر میشود فقط برای تمتع اطفال فقراء و اشخاصی است که رسماً عدم بضاعت آنها از طرف مأمورین رسمی محلی تصدیق شده باشد.

**رئیس** - مخالفی البته نیست - رای میگیریم آقایانی که با این ماده ۲۶ موافق هستند قیام نمایند. [با اکثریت ۶۷ رای تصویب شد].

**ماده ۲۷** - از رایورث ثانوی بکمیسیون - قبول محصلین بی بضاعت در مدارس متوسطه و عالی بطور مجانی بموجب قانون مخصوصی خواهد بود.

**رئیس** - رای میگیریم با این ماده ۲۷ آقایانی که موافق هستند قیام نمایند (با اکثریت ۵۷ رای تصویب شد).

(ماده ۲۷) - از رایورث اولی کمیسیون که ماده ۲۸ میشود بقرار ذیل خوانده شد).

اینه متعلق بسکاتب و مدارس و سایر متعلقات بمدارس از منقول و غیرمنقول در تحت نظارت وزارت معارف است.

**حاج سید ابراهیم** - همین طور آنچه در شور اول پیشنهاد شده است بکلی در رایورث منظور نشده است من جمله در شور اول پیشنهاد شده است که لفظ رعایا در عین استفاده شود و ملاحظه نشده است و در این ماده هم يك لفظ دولتی بنا بود که زیاد شود آنهم نشده است والا مدارس را که خود مردم شخصا تاسیس می کنند که غیر رسمی است متلاخانرا شخصا اداره می کند و مدرسه دائر می کند آنهم در تحت نظارت وزارت معارف خواهد بود از قول و غیر منقول حتی اینها و سایر چیزهاش این خیلی غلط است پس بنده تقاضا میکنم که همان طوری که دقت میفرمائید که خارج از موضوع نشویم دقت بفرمائید که کمیسیون هم رعایت این ملاحظاتی که مجلس در شور اول کرده است بنماید که اختلاف کمتر باشد و وقت مجلس تضییع نشود دیگر اینکه اینجا باللفظ غیر شخصی با لفظ دولتی باید اضافه شود و يك لفظ هم در پیشنهاد وزیر بود که آن هم باید اینجا قید شود.

**دکتر علی خان** - اینکه بفرمائید که لفظ دولتی باید در اینجا قید شود عرض می کنم که نباید زیاد شود بجهت اینکه نظارت وزارت معارف در کلیه اینه و اشياء منقوله و غیرمنقوله لازم است بجهت اینکه نظر بحفظ الصالحه است لازم است وزارت معارف نظر داشته باشد همین طور اسباب اثابیه اش اینها چیزهایی است که لازم است مقصود از این تفتیش این است که در این باب نظر داشته باشد که مطابق قوانین حفظ الصالحه تاسیس شده باشد نظارت از این جهت میکند که بهیند نظیف است باخر نظارت از حیث این نیست که برود آنجا ادعای مالکیت بکند.

**رئیس** - رای می گیریم بماده ۲۸ بهین ترتیبی که خوانده شد آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند (با اکثریت ۵۱ رای تصویب شد).

**ماده ۲۹** - مجازات بدنی در مدارس و مکاتب ممنوع است.

**دکتر حسین میرزا** - البته مجازات بدنی کار خوبی نیست خصوصاً در مدارس اما در مکاتب ابتدائی اگر تنها بشمارت با بعضی مجازات دیگر میتوانستند آنها را از آن جاده منحرفه برگردانند و مطیع دوس خواندن بکنند خوب بود ولی بنده تصور نمی کنم که بدون مجازات بدنی اطاعت بکنند فرض از مجازات بدنی این نیست که يك نوع حدت با يك سختی و زحمت فوق العاده بدین طفل وارد بیاورند درده سال پیش که این مدارس ابتدائی باارشد مجازات بدنی را موقوف کردند و آخر دیدند پیش نمی رود اطفال که میروند بضاعت آن اطفال شش هفت ساله بواسطه سوء تربیت زنده گانیشان تربیتی بود که آنها درسی نمیخوانند مجبور شدند که دوم تبه مجازات بدنی را قبول بکنند حالا عرض می کنم باید يك تربیتی مجازات فرار داد در مدارس ابتدائی اگر يك تربیتی بنده تا چند سالی برقرار کردن باعث افتاد بنده هیچ ندارد.

**دکتر علی خان** - معارف هیچ منتظر این نبود که از عارف مثل شاهزاده حسین میرزا يك همچو پیشنهادی بشود ولی باید این را در نظر بگیریم باید يك قانونی را گذاشت و البته کم کم آن قانون در مملکت اجرا خواهد شد اینجا اگر تصویب بفرمائید آن وقت کار خیلی سخت خواهد شد برای اینکه شما نمی توانید مقتض معین بکنید که تا فلان قدر مجازات بدنی بشود و از آن حد بیالاجاز نیست و صدمات و لطماتی که با اطفال وارد آمده است در همین روز و مجازات بدنی گویا همه دیده و شنیده باشند علاوه گویا مطابق شرع هم نباشد.

**حاج شیخ الرئیس** - اگر مایه تعجب مغیر معترم نشود عرض می کنم که مجازات بدنی هم در شرع مقدس با اطفال غیر بالغ جایز است بلکه واجب است.

**رئیس** - مذاکرات کافی است رای می گیریم بماده ۲۹ آقایانی که موافقت قیام نمایند [با اکثریت ۴۹ رای تصویب شد] از مغیر کمیسیون خواهش می کنم که این موادی که رجوع شده است بکمیسیون زودتر رایورث داده بشود تا اینکه این قانون معوق نماند دستور شنبه را سابق عرض کردم - دستور ۴ شنبه انتخاب هیئت رئیسه

**سلیمان میرزا** - بنده در چندین جلسه قبل اظهار داشتم که فریاد و تظاهرات رعایای خالصه را در این يك سال همه شنیده اند و این کثرت رعایای خالصه هم آمده است بمجلس تقاضای کم آنرا زودتر جزء دستور بگذارید این نصل هم مقتضی است با تغییر کثرت تا یکدسته رعیت از تمندیات کمیانی خلاص شوند.

**رئیس** - در خاطر دارید چند روز قبل وزیر مالیه خواهش کرد که چند روزی مهلت بدهید که رسیدگی بکند و حاضر شود حالا اگر میخواهید معین بکنید که درجه روزی مذاکره کنند و اگر لازمست که بوزیر مالیه نوشته شود و استمزاج بشود بد در جلسه شنبه بنده عرض می کنم که چه روز است.

**ارباب گنجشرو** - بنده تقریباً يك سال قبل يك ماده پیشنهاد کردم یعنی برای کسانی که دیر می آیند و این مسئله بکمیسیون نظامنامه داخلی رفت و این جا آمد شور اولش هم شده است بنده خیلی محظور دارم در باب دیر آمدن و کلاه و این چیزی نیست استعدا دارم در صورتیکه مخالفی نباشد این طولی ندارد جزء دستور بیاید و بگذرد.

**رئیس** - می فرمائید بنده دستور شنبه آینده بگذاریم نه این شنبه شنبه بعد آن.

**حاج آقا** - بنده راجع بدستور عرضی داشتم خارج از دستور هم يك عرضی دارم اگر می فرمائید عرض میکنم اما راجع بدستور البته همه آقایان مسبقاً يك هیئت تفتیشیه مایه مدنی قبل از این تشکیل شد مدتی رفتند و تفتیش کردند و يك کمیسیون دیگر هم معین شد رفتند و تفتیش کردند و در رایورث آمد راجع بشخص حاج وکیل رعایا و راجع بسایر مطالب طبع شد نمی دانم چه شد که این در رایورث هیچ موضوع مذاکره نشد و ما طرف حبه جرایم شهری شده ایم و انما این يك مطلب خیلی مندمجی است این مطلب را باید آورد و خواننده حاج وکیل رعایا یکی از اعضاء محترم مجلس هستند اگر و نماایشان چیزی به دولت میگویند هستند که معزوم بشود و بنده تا اگر هم میگویند نیستند همانطوریکه خودشان میفرمایند آنها هم معزوم بشود هیچ مناسب نمیدانم که يك نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی اینطور طرف حمله جرایم محلی باشد و باید اقدامی در آن نشود واقماً حدیثت و بیاطلان این مطالب مکشرف شده باشد بنده که بکنفر از اعضاء مجلس هستم می بینم اگر ساکت باشم بنده خودم را شریک حیانت میدانم.

[اظهار شد صحیح است]

**رئیس** - بسیار خوب این را ممکن است که داخل دستور کرد ولی گمان می کنم که چند جلسه است خوب کار کرده ایم قانون ثبت استاندارد قبولیم قانون اداری معارف راه ختولیم اینها را تمام میکنیم بعد این مطالب را در دستور خواهیم گذاشت این را هم بنده در نظر میگیرم در هیئت رئیسه دستور را که ترتیب میدهم این راهم جزء میکنم.

**ادیب التجار** - مدت ها است در باب قانون منع احتکار بنده اظهارات و تقاضا کرده ام یعنی اوقاتی که حضرت تعالی بسمت ریاست مجلس شورای ملی منتخب شده اید خیلی جدیت داشتید که این قانون را زودتر در جرحه دستور مجلس بگذارید که يك امیدواری برای اهالی حاصل بشود از این راه که آسوده باشند البته يك مملکتی که جزء اعظمش امرت ان است باید اقدام کرد که رفع احتکار از این مملکت بدبخت بشود و از اقسام این و کلاه که در این دوره هستند این قانون از مجلس بگذرد بدبختانه هر این جلسه و آن جلسه میشود و مطرح مذاکره نمیشود خواهش می کنم در جلسه شنبه مقرر فرمائید و خاطر فرمائید که وزیر داخله در کمیسیون داخله حاضر بشود امروز هم اعضاء کمیسیون حاضر بودند و وزیر داخله نیامدند مقرر فرمائید که تشریف بیاورند و فردا صبحی این

جلسه منعقد شود نظرشان را بگویند و شنبه باید در جزء اول دستور این قانون گذاشته شود با اقدامات حضرت تعالی و توجه آقایان.

**رئیس** - جنابالی حاضر بودید که رئیس داخله گفتند وزراء در این مسئله نظری دارند باید در هیئت وزراء مذاکره شود بعد بیاید بمجلس این در دوره قبل بود در این دوره نتوانستند در هیئت دولت مذاکره کنند تا روز سه شنبه صبر میکنیم اگر نیامدند آنوقت جزء دستور میگذاریم.

**منتصر السلطان** - بنده در خصوص قانون پستی چون خیلی اهمیت دارد و اغلب محل احتیاج میشود میخواستم عرض کنم که بعد از گذشتن قانون ثبت اسناد و قانون اداری معارف آنرا تقاضا دارم که چون يك قانون لازم و مدونی است جزء دستور بگذارید.

**رئیس** - این راهم عرض می کنم که مغیرین کمیسیونها باید بپایند در هیئت رئیسه بنشینند و مذاکره کنند و در رأس هر هفته دستور جلسات آن هفته را بگذارند که با مغیرین میشود تصویب بکنند شما خودتان هم مغیر کمیسیون هستید بنده هم خواهش دارم آن قانونی که راجع است بفرمانده عامه پرتیبی که عرض کردم زودتر آن را پیشنهاد نمایند.

**منتصر السلطان** - بسیار خوب.

**حاج سید ابراهیم** - اگر چه دستورهائی که مذاکره شد برای یکماه پس است ولی قانون گرفتن سوار از ایلات که در چند روز قبل اظهار شد جزء دستور شود و وزیر جنک این جا تشریف داشتند و خواهش کردند که يك چند روز مهلت داده شود و تا این که من میتوانم در این باب مطالعه کرده باشم خوب است آقای وزیر جنک حاضر شوند و این جزء دستور شود.

**رئیس** - آقایان در این باب فرمایشی دارند به هیئت رئیسه تشریف بیاورند که دو این بساب مذاکره شود.

(مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته ختم گردید)

**صورت مذاکرات روز شنبه ۱۳۲۹**

مجلس تقریباً ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۸ ربیع الاولی را آقای معاضد الملك قرائت نمود.

غائب بدون اجازه - سردار احمد فائزین با اجازه آقای میرزا احمد حاج وکیل رعایا - آقایانیکه در وقت مقرر حاضر نشده اند - دکتر امیرخان - آقای میرزا احمد نجات - ادیب التجار - حاج مصدق الملك افتخار الواعظین - حاج آقا - آقای بیگلری شیرازی - نیر السلطان - لواء الدوله - آقای میرزا ابراهیم قی - رکن الملك - سربرض آشبخ ابراهیم

**ارباب** - در بساب دیر آمدگی آقایان از وقت مقرر اینچنانکه مکرر می بینم که خوانده میشود از آقایان که اعتراض میکنند آقای رئیس در جواب آنها میفرمائید با اداره مباشرت رجوع بنده می بینم که بر بعضی از آقایان اشتباه شده است تصور میکنم

که هنوز مثل سابق سه بغروب مانده باید حاضر شوند و آقای رئیس آنروز که فرمودند که سه ساعت و نیم بغروب مانده آقایان بیایند گمان فرمودند برای همان يك روز بوده است از این جهت عرض میکنم که خوب است آقای رئیس در این باب توضیحی بدهند که صحیحاً مطلع شده موقع مقرر را بدانند.

**رئیس** - آنروز عرض کردم چون روزها دیری بلند شده است میتوانیم سه ساعت و نیم قبل از غروب بیاییم و غروب جلسه را ختم کنیم (گفتند صحیح است)

**رئیس** - تلگرافی از طرف آیات الله بوالا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده و دستخط پهنه فرموده اند و خواسته که آن تلگراف اینچرا برای اطلاع نمایندگان فرستاد شود (تلگراف من بود بمضمون ذیل فرستاد شد)

بسم الله الرحمن الرحیم - مقام متین بنای سلطنت هضی دامت شو که العالی بشارت تشریف فرمائی را بران سرمایه سعادت و نجات مملکت و ملت از اعظم بشارت و بمنزله عود روح بجهت عاری از حیثیات و موجب تبدیل یاس کلی به لسان امیدواری گردید انشاء الله تعالی بپارگی و معینت و دوام نصرت و تقیید در موجهات قوت شوکت دین و دولت مقرون و در جرحه کله ملیه و اصلاحات اساسیه در فرجه پیچیدگی کار هائیکه که از کثرت اختلافات و نمایش دادن اعراس شخصی بصورت نوع پرستی حاصل و حال مملکت و ملت چنین تپا نموده است مؤید منصور بیرکت ایغای دین پرستانه و بیانات وطن پرورانه قاطبه رجال با شرف جمعیت را بوجهات عافیت این تفریق و اختلافات اهوا و نشتت که سیر نفراستی را بر این در جمعل و مساعی و زحمات داعیان را هم در جسم کله ملیه چنین هباعد و مرداد حکیمانه بکنند در این معنی

را چنانچه باید بر شایسته جسم و ذهنی همه خواهند فرمود که تمام شرف و سعادت شخصی را بر عهده هر چه در نظر دارد تماماً بحفظ استقلال مملکت متوقف و این معنی جز در سایه هست که جامع و حید این ملت و حصین مملکت و یکدانه حافظ این آب و خاک است محان رحمت اتحاد عنصر غالب که از نعم خاصه الهیه عزایسه بر این ملت و نتیجه رحمت سلطه صالحین از علماء و سلاطین است یا بوسیله حفظ شرف و استقلال و فوز باعلی مدارج شوکت و هفت و ترقی رفعت است نتیجه مشهوره از تفریق اختلافات و سرح معکوس این ملت هم برای تجربیات کافی رامید است که بعون الله تعالی و حسن تائیده از این بیعت تمام رجال وطن پرست ایرانخواه بحسن سیاست و کفمال مراقبت آن والا حضرت اندس دامت شوکت موجهات نجات و وسایل حیات که فقط با اتحاد کله هموم علماء و امرا و ایمان مملکت موقوف و تفریق کلیه اختلافات و فرامی اسباب جلب قلوب و رفع نفرت طبقات ملک منوط است کاملاً همت خواهند که باشت و در رجوع کلامه و اجلا با داعیان مساعدت خواهند فرمود و آن والا حضرت هم با هم را در جویات ثابت متو کلامی الله تعالی و متمم آن من ولی عصر ارواحنا فداه بوظایف مقایسه قیام و کله تشتت راجع بمملکت و ملت از دست رفتن را احیاء خواهند فرمود انشاء الله تعالی والسلام علیکم ورحمت الله و برسانه محمد کاظم الغرسانی عبدالله مازندرانی.

**رئیس** - تلگرافات تبریک هم رسیده است

۷

اسامی آنها خوانده می شود امیر افخم از برودرد مهزنا حبیب الله خان پیشکار ماله از شیراز - سهاک خلیفه گل از ارمغان از اصفهان - سفارت ایران در اسلامبول و ونه - فونسلگری ایران در باطوم رئیس - جواب امتنان داده خواهد شد و آقای سردار اسد مرقوم به بنده نوشته اند و اجازه مرخصی ۲ ماهه خواسته اند برای معالجه چشمشان و بنده بکمیسون هرایض و مرخصی نفرستادم این جا خواستم به عرض آقایان برسانم و ضمناً هم عرض خواستم که آقای سردار اسد وجودشان برای ما خیلی لازم است چه از حیث خدماتی که باین ملت کرده اند و چه از حیث کمک فکری که در مجلس ماها می کنند نباید راضی بشویم که آنی از ما متفک بشوند و از طرف دیگر چون مقصودی جز حفظ وجود شریف و سلامتی ایشان نداریم گمان می کنم که آقایان مرخصی ایشانرا تصویب نمایند حالا آقایانی که تصویب می فرمایند قیام نمایند (با اکثریت ۵۸ رأی تصویب شد).

**رئیس** - دستور امروز قانون ثبت اسناد است شروع می شود.  
**ماده ۶۷** - لایحه وزیر مقصد از ثبت اسناد ثابت و قطعی نمودن تاریخ اسناد معاف از ثبت اسناد کمیسیون اینطور پیشنهاد داده برد.  
**ماده ۸۸** از ایوروت کمیسیون مقصد از ثبت اسناد موافق ترتیباتی که در این قانون مقرر است درسی کردن اسناد ثبت شده است یعنی قطعی کردن تاریخ سند و ضبط خط و مهر و اقرار و حفظ مندرجات سند تغییر و تبدیل **رئیس** - مخالفی نیست آقایانی که با ماده ۸۸ کمیسیون برتریبی که خوانده شد موافقت قیام نمایند.  
**(با اکثریت ۵۶ رأی تصویب شد)** (ماده ۸۹ از ایوروت کمیسیون به ضمیمه ذیل قرائت شد) سدرسی از جهات مذکور در ماده قبل معتبر و در مقام دعوا محل اعتبار است بنا بر این کسی که بر علیه او سند رسمی ابراز میشود نمی تواند اظهار بی اطلاعی بها و تردید نسبت بان سند نماید فقط در مقابل رد سند یا باید مجهول بودن آنرا مدلل نماید و با قیام ثبت که سند رسمی بجهتی از جهات قانونی از اعتبار انتاده است.

**حاج سید ابراهیم** - بنده گمان می کنم که لفظ مجهول را اگر برداریم و بطلان بشویم بهتر است بجهت اینکه باطل بودن سند اهم است از این که مجهول بودن باشد یا جهت دیگر باشد اگر بگویند بجهت قانونی بودن آن باشد عرض می کنم اینهم صحیح است بجهت اینکه ظاهر است اینست که میگویند سند رسمی سندی که دولت رسمیت با او میدهد که ثبت شده رسد هائی که ثبت نشده بطلانش اهم است اگر لفظ مجهول را بردارند بطلان بشوید در عرف این معذور خواهد شد.

**آقا شیخ ابراهیم** - بطلان دو حیث دارد یکی این است که هر چه سندی این شخص باین شخص نداده است انکار میکند یعنی این سند دادن واقع نشده است یکی این است که در اصل مطلب خلل است این مقصود این است که این واقع شده است

یعنی سند داده شده است معنی است جهانی دیگر داشته باشد و طرف مقابل ادعای خلل میکند مثلاً ثبت کردن اقرار کردن مهر شدن اینها قابل تردید نیست ولی اظهار میکند وقوع این را انکارند اینهم این سند داده شده است منم مهر کرده ام لکن خلل شرعی دارد آن ربطی بسند ندارد آن بطلان عمل است.

**آقای محمد بروجرودی** - بنده عقیده ام این است که اصلاً این ماده جایش در این ثبت اسناد نیست این باید در قانون محاکم ابتدائی باشد این تکلیف ابتدائی است که چنین سندی را که آنجا برد محل اعتبار قرار بدهد یا ندهد منتهی این است که در آنجا اشاره کنند که اسناد ثبت شده مطابق قانون معتبر شده باشد در آنجا حکمش این است و آن است ولی در اینجا که قانون ثبت اسناد است محل ندارد و اصلاً این ماده را بنده در اینجا بی محل میدانم.

**حاج آقا** - آقا شیخ اسداله اگر توجه فرمایند علت حقیقی ثبت اسناد در همین ماده خواهند دانست بجهت اینکه غرض از این دایره ثبت اسناد که دولت تشکیل میکند این است که فقط اعتبار اسناد رفع مناقشات کلی است و سایر اشکالات در حقیقت علت قائمی این قانون همین ماده است و جایش هم همین جا است و باید تصویب شود و الا هیچ فایده ندارد و اگر نباشد در حقیقت قانون ثبت اسناد را لغو می کنند خوب اگر در این ماده توجه بکنید خواهید دید که نوشته است و هم چنین در ماده قبل قطعی کردن تاریخ سند و فقط مندرجات سند آن را بجهت این محل اعتبار است البته اگر طرف مامدی یا منکر بخواهد این سند را رد کند یا باطل بگوید آنرا برسانند که ساخته کسی است و در اداره ثبت اسناد خطائی شده یا جعل شده است و باینکه مناقشات دیگر در مقابل این سند بیان می کنند که از خارج یک ایرادی در مضمون سند است و این عبارت هر دو را میرساند هم راجع بعملی بودن است که اصلاً انکار میکنند که هر چه سندی در بین نبوده است یا اینکه بجهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده البته جهات قانونی هم از حیث جهات شرعی است هم از حیث قوانین اداری بلکه می توان گفت که سند را از اعتبار نمی اندازد مگر اینکه مخالف با قوانین شرعی باشد.

**آقا شیخ اسدالله** - این فرمایشات آقای حاج آقا در خصوص این فقره اولی که باید مجهولیت آن را ثابت نماید یا آنکه راجع به قطعی بودن سند باشد این بنده را متقاعد نکرد ولی در سایر جهاتش که بکلی سند رسمی را نبشود رد کرد آن صحیح است الا اینکه متذکر می کنم خاطر ایشان را سند جمعی بین این سندی که آمده در اداره ثبت اسناد ثبت شده است ساختگی است و در اینجا هم که ثبت شده ساختگی بوده و حال آنکه وقتی که این سند را ثبت می کنند در این مواد گفته شد باید طرفین حضور داشته باشند و طرفین معرف داشته باشند تکلیف معرف آنها هم با آن شرایطی که بآن محکمی بود معین کردیم که اسباب اطمینان صاحبان اسناد باشد و بعد از آنکه ما این فقره را بطلان خود باقی

گذاشتیم هیچ سندی دیگر وقتی که از اداره ثبت اسناد بیرون آمد صورت رسیت پیدا نمی کند بجهت اینکه مدعی میشوند این سندی که اینجا ثبت شده است جعلی است این راجع میشود باینکه مباشر ثبت در اینجا یک تقابلی کرده است در حالتی که ما مباشر ثبت را باین شرایطی قرار دادیم و اوصافی معین کردیم که محل اطمینان عدلیه باشد و باید سند را رسمی بدانیم مگر آنکه ثابت بکنند یک تقصیری و خیانتی از این مباشر ثبت شده که فلان تقصیر و خیانت را کرده است و الا این همه که در اینجا باین کیفیت نوشته شده است که در این موقع مدعی مدعی مجهولیت سند بشود و در اینجا هیچ موقع ندارد.

**وزیر عدلیه** - بنده لازم است بعضی توضیحات راجع بعملی بودن سند بندهم اولاً عرض می کنم که اسناد بردو قسم است یکی اسناد عادی و یکی اسناد رسمی مخصوصاً اسنادی که در اداره ثبت اسناد ثبت میشود آنها را اسناد رسمی میگویند تمایز اسناد رسمی از عادی این است که نسبت به اسناد عادی میشود اظهار تردید و شک و شبهه کرد اگر آن اسناد باین مدعی و آنکس نباشد که برضد او آن سند ابراز میشود ولی در اسناد رسمی شک و شبهه نیست و اگر در محاکمه سند عادی ابراز شود برضد بنده که آن سند بهر خط و بنده نباشد ولی راجع بنده باشد که از وزارت هم نمی توانم بگویم که از این سند اطلاع ندارم و نمی گویم که این جعلی است اینجا که میگوید مخصوصاً یکی از اینها نیست و درخواست است توضیح بکنند میگویند این سند در سند رسمی اظهار تردید و شک و شبهه کرد برای اینکه من مهر کرده و بخط خود امضاء نموده ام و اقرار کرده ام مطمئن هم بوده اند البته این بدیهی است که من نمیتوانم اظهار تردید یا شک و شبهه بکنم از دو حال خارج نیست یا باید قبول بکنم یا باید رد بکنم در صورتیکه رد می کنم میجویم که بگویم جعلی است و در اداره ثبت اسناد این را ساخته اند نه بهر من و نه خط من است در خارج این سند ساخته شده است و مباشر ثبت هم امضاء کرده است یا این است که میگوید خیر قبول دارم این سند صحیح است و در حضور من این معامله شده است ولی بجهتی از جهات شرعی این از امتیاز افتاده است یا مدتش تمام شده یا یک عیب شرعی پیدا کرده است که از اعتبار افتاده است مسئله در اعتبار است که نسبت بسند رسمی نیست و اظهار تردید و شک و شبهه کرد مگر اینکه بگویند جعلی است آنوقت هم باید برسانند و اگر برسانند جعلیش را آنوقت هم یک مجازاتی باد تعلق خواهد گرفت و باین است که ثابت بکنند که یک جهتی از جهات شرعی این سند از اعتبار افتاده است.

**رئیس** - گمان می کنم که مذاکرات کافی باشد رای میگیریم.  
**حاج سید ابراهیم** - بنده ملتفت نبودم اینگونه مواد را که میشود فرض کرد در یک ماده کنجانید قانون ما از قانون شرح و عقل و عرف است متلاذم اینجا قانون مینویسد که سند رسمی آن است که

در اداره ثبت اسناد ثبت شده باشد و این را هم گفتند که بطلان او را از حیث مجهول بودن او است یا از جهات دیگر مثلاً این سند طوریه بوده است یا جهاتی دیگر که هزار جهات ممکن است که این سند بجهتی از جهات صحیح از اعتبار افتاده است بقرینه بنده بطلان بنویسند بهتر از مجهول است که مطلب درست واضح شود و شامل همه صور هم بشود بنده عرضم وضوح مطلب است که مطلب واضح باشد.

**آقا شیخ ابراهیم** - بنده در هر دو فقره اشکالی نیست مثلاً رفتیم در اداره ثبت اسناد دیدیم مهر این شخص با امضاء شاهدین که نوشته است حاضر شد و اقرار کرد در سنا یای این سند صحیح و مدعی بود این از دوشق خارج نیست یا میگوید که این صحیح است و واقع شده است و قبول دارد باین است میگوید این سند ارسر تا یا ساخته شده است من ندیده ام اقرار هم نکرده ام خط من نیست و مهر من هم نیست این سند را ساخته اند مباشر ساخته یا غیر مباشر بهر حال ساختگی است این یک شق یکمرتبه خیر میگویند من آمدم اقرار هم کرده ام و این شیشی را من فروخته ام صیغه هم خوانده ام امضاء هم کرده ام ثبت هم شده و حالا مطمئن شده ام که مال من است پس در این کسی دیگر مصاحبه شده است پیش از اینکه بمن صلح نمایند بهر عوی من بهی شده است یا بهر عوی من بخشیده شده بود این ربط بسند ندارد این امری است خارجی ولی مضمون سند از اعتبار افتاده است موضوعی در بین نبوده است باینکه ثبت سند فاسد شده است خیر من آمدم اقرار هم کردم ولی هم گرفتم ثبت هم کردم و لکن همچو دانسته بودم که این مال من است حالا معقق شده است که مصالحه با دیگری شده است باینکه من همچو دانسته بودم که این معامله روری نیست لا سفته کرده ام معلوم شده است که بروی است این یک قسمی است در آن اصل مطلب دیگر یک امری زیاده بر این کسی می تواند بگوید که من آمدم ثبت هم کردم ولی تاریخ او قلم است باینکه آمدم ما این شاهها نگاه کردند و صحیح نیست.

**رئیس** - عرض کردم که اغلب نمایندگان مذاکرات را کافی میدانند و آقای امام جمعه در مخالفت و قبل از اسامی آقایان اسم چهار نفر دیگر است حالا اگر جنابالی ایرادی دارید که راجع بکمیسیون است میتوانم حق تقدم بدهم ولی اگر طور دیگر باشد بنده میجویم که بدینکاران اجازه نطق بدهم تا آن وقت که نوبت سرکار برسد.  
**امام جمعه** - بنده عرضم را در حال باید بکنم و توضیح بدهم.  
**رئیس** - خوب مذاکرات را در اینجا ختم می کنیم آنوقت اگر سرکار فرمایشی در ارجاع دارید بفرمایند.  
**آقا شیخ ابراهیم** - بنده اعتقاد این است که آقایان فلا مطالعه فرمایند اگر ایرادی دارند مذاکره فرمایند هر روز این ماده را برگردانیم کمیسیون این اسباب معطلی خواهد شد.  
**وزیر عدلیه** - بنده یک توضیحی بدهم اگر اقتاع نشدند ارجاع بکمیسیون شود

**رئیس** - بفرمایند **وزیر عدلیه** - بنده جلب می کنم خاطر نمایندگان را باین ماده قبل چون آقای حاجی سید ابراهیم در باره رسمی کردن این امری داشتند بنده میجویم مقصود از رسمی کردن اسناد اعراس کنم اگر چه در اینجا نوشته است لکن توضیحاً عرض می کنم مقصود قطعی کردن تاریخ سند یعنی چه یعنی اگر در سند نوشته است ۲۵ ربیع الاول این تاریخ دیگر قطعی است میتوان این را مقدم کرد که قبل از این بوده است و میشود گفت بعد از این بوده است تغییر پذیر نیست یکی هم حفظ مندرجات است یعنی امضاء و مهر و اقرار من آنجا ضبط بشود و با حضور مطلعین ثبت میشود ما نکته تم صحت مندرجات سند مخصوصاً این نکته را خاطر نشان آقایان می کنم که اگر اینجا نوشته میشود صحت مندرجات سند فی الواقع می شد ایرادی بکنیم در این مملکت ما چطور میتوانیم که با سندی که معاملات می شود مسئول مندرجات او شد پس باینکه ثبت شد اداره ثبت اسناد همین طور محفوظ بود و وقتی هم که در کمیسیون مذاکره شد و این را ترتیب میدادیم نوشتیم صحت مندرجات سند نوشتیم حفظ مندرجات سند از حیث تغییر و تبدیل یعنی چون این سند در اداره ثبت اسناد ثبت می شود دیگر نمیتواند تغییر بدهد یعنی قلم بردن اویش یا برتاشند بفرمانند پاک کنند و چیزهای دیگر بنویسند بجهت اینکه در دفتر ثبت اسناد ثبت شده است ترتیبات معینی دارد که از دست خود مباشر ثبت هم بیرون میرود بدین ترتیب که در هر کراست پس این شد که رسمی کردن سند در مملکت مخصوصاً از حیث قطعی کردن تاریخ او است و حفظ مندرجات آن سند است حالا مندرجات آن هر چه است صحت و سندش ربطی بداره ثبت ندارد حالا آمدم سر امضاء می گویند (ماده در قرائت کرد) ماده ۸۹ - سند رسمی از جهات مذکور در ماده قبل معتبر و در مقام دعوا محل اعتماد است بنا بر این کسی که بر علیه او سند رسمی ابراز می شود نمیتواند اظهار بی اطلاعی یا شبهه و تردید بیان کند نماید یعنی از حیث چه محل اعتماد است از حیث قطعی شدن تاریخ اگر بگویند متلاذم ۲ ربیع اول بوده است از اقبول می کنند یا بگویند این امضاء خط و مهر من نیست از او قبول نمی کنند خود این صحیح بوده آن یک مطلب علی حده است حالا به بنیم آنرا که قبول نمی کنند تا چه درجه است میگویند بر علیه او اگر سند رسمی ابراز نمود نمیتواند اظهار بی اطلاعی از آن سند نماید یا شبهه و تردید نسبت بان سند بنماید یعنی نمی تواند بگوید که این خط و مهر من نیست و اطلاع ندارم چون خط و مهر خودش است باید بگویند که این سند صحیح است ولی یک جهتی از جهات قانونی صحیح نیست یا بگویند این سند مجهول است ساختگی است آنوقت خواهند گفت که مدعی جعلیت هستند باید برسانند باین است که می گویند مجهول نیست سند را قبول می کنند که بلی این سند صحیح است و من حاضر شدم امضاء کردم ولی یا اینکه موحدش منقضی شده است یا اینکه این خانه را بعد از اینکه بمن فروخت بیک جهتی از جهات شرعی این سند از اعتبار افتاده است پس شده فی الواقع این که رسمی کردیم از دو حیث است

یکی از حیث قطعی کردن تاریخ سند یکی از حیث امضاء و مهر و اقرار فقط و آنهم اینطور است چون رسمی است یا باید رد کنند که این ساختگی است و مدلل کند یا اینکه بگوید که بیک جهتی از جهات شرعی از اعتبار افتاده است و این را هم که بعضی گفتند که راجع باصول معاکمات حقوقی است راست است در اصول معاکمات باید باشد بلی چندین ماده است یکی دو تا نیست ولی اگر ما این را راجع می کردیم معاکمات حقوقی چون آن قانون باین زودی از این مجلس نمی گذشت اسباب اشکال بود و آنوقت این قانون و این ماده ناقص بوده از این جهت لازم دانستیم که در اینجا نوشته شود.

**امام جمعه** - بنده اینها را قبول دارم یکی دو کلمه اصلاح عبارتی است که باید عرض کنم.  
**رئیس** - پیشنهاد بفرمایند بعد توضیح بدهید اسلامی هم آقای کاشف کرده اند خواننده می شود [اصلاح آقای کاشف قرائت شد] که جمله یا باید مجهول بودن آن را مدلل نمایند حذف شود

**کاشف** - مقصود از این اصلاح این بود کلیه در مواد گذشته گفته شده بود کسانی که اسامیشان در اسناد هست همیشه حاضر می شوند و در اینجا برخلاف میرساند معجون بودن سند را وقتی کسی توانست اظهار نماید خصوصاً در دفتر رسمی دولت هم ثبت شده باشد بازم آن مقصودیکه از ثبت و حفظ اسناد است یعنی نیاید مخصوصاً بعد از اینکه در حضور مطلعین رجوع و رجوع یک سندی ثبت و امضاء می شود در این صورت نمی تواند کسی مجهول بودن سند را ابراز نه بدین ترتیب که توانست که مجهولیت سند را ابراز کند یا بهرمان حکم اسناد عادی را دارد و معجون از بعضی چیزها نخواهد بود.

**وزیر عدلیه** - اما در باب مجهول بودن آنطوریکه می فرمایند آنطور نیست از باب مجهول بودن می گویند خط و مهر مرا ساخته اند این سند را ساخته اند در نظر مطلعین جعلی هم درست کرده اند و بردارند ثبت کرده اند از این جهت تقاضای جعلیت همیشه میتواند کرد ولی ثبوتش مشکل است و این که می فرمایند چون در دفتر رسمی دولت ثبت شده است ادعای جعلیت را نمی توانند بکنند خیر ادعای جعلیت می توانند بکنند ولی ثبوت او خیلی مشکل است و همین لحاظ است که قانون میگوید که یا باید ادعای جعلیت بکنند یا اینکه قبول بکنند وقتی ببینند که خیر درست ثبت شده است و حاضر هم شده است خط و مهرش هم می خواهند مقابله می کنند میز می خواهند اهل خبره می خواهند می بینند دروغ است اظهار او ولی نمی توان گفت ادعای جعلیت نکنند بجهت این که وقتی که می خواهد بگوید که این سند را قبول ندارم می گویند که این سند جعلی است و مدعیان طور است کسیکه می خواهد سند رسمی را رد کند نمی تواند بگوید من اطلاع ندارم باید بگوید جعلی است.  
**(پیشنهای از طرف آقای حاجی امام جمعه قرائت شد که بعد از کلام در ماده قبل نوشته شود در محاکم عدلیه)**

**امام جمعه** - این ما را که آقای وزیر می گوید تمام آنها را بنده ملتقم واصل ماده درام قبول دارم ولی یک چیزی هست که لازم است عرض کنم و آن این است که سند در معاصر شرعی من حیث انه سند اعتبار ندارد مگر آنکه علم حاصل کنند افراد مقر را بخواهند معتبر نکنند سند را یا قطعیت اقرار را والا سند من حیث انه سند در معاصر شرعی اعتبار ندارد مگر آنکه معتقد به امام شرعی هم معتبر باشد و لزومی آنهم باین حکم بکنند این است که عرض میکنم بنویسند در معاکم عدلیه معتبر است و اینکه اینجا نوشته است که سند رسمی از جهات مذکور در ماده قبل آنجا بنویسند در معاکم عدلیه معتبر است الا سبب اشکال است که معاکم شرعی خارج نشود اگر این طور نباشد مشکل است.

**رئیس** - آقای مغبّر این اصلاح را قبول می فرمایند.

**آقای شیخ ابراهیم** - بنی صحیح است نوشته شود (در این موافق در وقت اصلاح نزد رئیس فرستاده شد)

**رئیس** - این در فقره اصلاح ریس دادم بجهت این که ماده در معین فرموده بودید در روز هم عرض کردم که ماده باید معین شود رای می گیریم ماده ۸۹ کسب و آن اصلاح.

[در این موافق پیشنهادی از طرف آقای محمد قرائت شد که کلمه جهات قانونی تبدیل شود بشرحی]

**آقای شیخ ابراهیم** - این لازم نیست همان جهت قانونی اعم از شرعی و غیر شرعی است ممکن است جهتی داشته باشد که شرعی نباشد ولی موجب بطلان سند باشد.

**رئیس** - این پیشنهادی که آقای محمد کرده باید قابل توجه شود بعد بروید بکمیسیون.

**آقای محمد** - از این جهت عرض می کنم بطوری که فرمودند آنکه ثابت بکنند جعلی بودن آن سند را آن مستند گذشت ولی این که ثابت کند از چه جهت آن جهت را بنده نمی دانم توضیح بدهند جعلی بوده است یا جهت دیگری بوده است چون خیلی از فروع شرعی مراجع بهین می شود که ربطی به آنون معض ندارد اگر قانون تصمصیم بجهت شرعی داشته باشد خوب است بفرمایند یکی از جهات شرعی چه چیز است.

**آقای شیخ ابراهیم** - در این موافق ماده ۹۲ بجهت عکسگانه داده میشود باید آقایانی که موافقت قیام نمایند [با اکثریت ۴۹ رای تصویب شد].

(فصل ۷ ماده ۹۴ از لایحه وزیر بضمون ذیل قرائت شد).

ماده ۹۴ لایحه وزیر - فواهی که هنگام ثبت اسناد باید رعایت شود.

(ماده ۷۱) در موقع دادن صورت نیز لازم الراء است والا آن صورت از درجه اعتبار ساقط است.

(قسمت ۳ ماده ۷۲ از راپورت کمیسیون بضمون ذیل قرائت شد).

ماده ۹۰ کمیسیون - فواهد مقرر در مواد ۸۵ و ۸۶ و مواد ۷۴ و ۷۵ در موقع دادن صورت ثبت سند سواد نیز لازم الراء است والا صورت وسوادی که داده میشود از درجه اعتبار ساقط است.

**آقای شیخ اسدالله** - در ماده ۸۸ نوشته است در موقع ثبت کردن باید تاریخ سال روز و ساعت در آن دفتر ثبت شود و در اینجا می نویسد که مراعات آن ماده باید بشود می خواهم سؤال بکنم که فقط در موقع دادن سواد همین قدر می نویسد تاریخ روز و موقعی که آن سند را ثبت کرده است کفایت می کند یا اینکه در موقع دادن سواد تاریخ دادن آن سواد را هم قید میکند.

**آقای شیخ ابراهیم** - این تاریخی که مستندیت شده است و آن داخل در صورت است تمام آنچه آنجا نوشته شده است بنویسند و بعد بنویسند من امروز در این تاریخ سواد را دادم این تاریخ دادن سواد است نه تاریخ ثبت سند تاریخ ثبت سند خودش که داخل در آن صورت و سواد است یعنی آنچه از سر تا پای است بنویسد در آن صورت سواد.

**آقای شیخ اسدالله** - عرض میکنم توضیح بنده را جواب ندهند.

**رئیس** - رای میگیریم ماده ۹۰ کمیسیون آقایانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت ۵۶ رای تصویب شد) (ماده ۹۵ و ۹۸ از پیشنهاد وزیر بضمون ذیل قرائت شد).

ماده ۹۵ - صورت ثبت سند فقط باشخاصی داده میشود که موافق مندرجات سندی که ثبت شده است حق گرفتن صورت را دارند و یا بکلاه و یا به وراثت اینها و یا بالاخره باشخاصی که این حق با آنها انتقال شده است و میتواند انتقال این حق را بخودشان قانوناً ثابت کنند.

ماده ۹۸ - در مواردی که صورت ثبت سند باشخاصی داده شود که حق گرفتن صورت را ثابت کرده ولی اسم آنها در سند ثبت نشده است و همچنین در مواردی که سواد بجهت عکسگانه داده میشود باید نکات مذکور قید شود (در صورت کمیسیون دوم ماده مذکور فوق را اینطور پیشنهاد کرده بود).

ماده ۹۱ از راپورت کمیسیون - صورت ثبت سند فقط باشخاصی داده میشود که در دفتر ثبت معین شده یا بکلاه و یا به وراثت آنها و یا بالاخره باشخاصی که آن حق با آنها منتقل شده میتواند انتقال حق خود را بخود ثابت نمایند در مواردی که صورت ثبت سند باشخاصی داده میشود که حق گرفتن صورت را ثابت کرده اند ولی اسم آنها در سند ثبت نشده است و همچنین در مواردی که صورت موافق ماده ۹۲ بجهت عکسگانه داده میشود باید آقایانی که موافقت قیام نمایند [با اکثریت ۴۹ رای تصویب شد].

که صورت موافق ماده ۹۲ بجهت عکسگانه داده میشود باید آقایانی که موافقت قیام نمایند [با اکثریت ۴۹ رای تصویب شد].

(فصل ۷ ماده ۹۴ از لایحه وزیر بضمون ذیل قرائت شد).

ماده ۹۴ لایحه وزیر - فواهی که هنگام ثبت اسناد باید رعایت شود.

(ماده ۷۱) در موقع دادن صورت نیز لازم الراء است والا آن صورت از درجه اعتبار ساقط است.

(قسمت ۳ ماده ۷۲ از راپورت کمیسیون بضمون ذیل قرائت شد).

ماده ۹۰ کمیسیون - فواهد مقرر در مواد ۸۵ و ۸۶ و مواد ۷۴ و ۷۵ در موقع دادن صورت ثبت سند سواد نیز لازم الراء است والا صورت وسوادی که داده میشود از درجه اعتبار ساقط است.

**رئیس** - مخالفی نیست رای میگیریم آقایانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت ۶۶ رای تصویب شد).

ماده ۹۷ نسخه دوم (المنشی) و نسخهای دیگر صورت باشخاصی داده میشود که از مقام سند معلوم است و آنهم تقاضای خود آنها است (کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود).

ماده ۹۳ - نسخه دوم (المنشی) و نسخه های دیگر صورت را باشخاصی میتوان داد که طرف معامله بوده صورت اولیه را گرفته اند.

**رئیس** - کمیسیون پیشنهادی کرده است خواننده میشود (پیشنهاد مزبور بضمون ذیل قرائت شد).

در آخر ماده عوض لفظ که طرف معامله هستند نوشته شود حق گرفتن صورت را داشته و صورت اولیه را گرفته اند.

در ذیل هر نسخه چندم بودن آن قید خواهد شد

**رئیس** - این يك قدری ماده اولیه را تغییر می دهد.

**آقای شیخ ابراهیم** - توضیح میدهم.

**رئیس** - بنده عرض نمی کنم که توضیح ندیده لکن چون این ماده را تغییر میدهند و باید مطالعه شود بماند برای جلسه آتی.

ماده ۱۰۰ - از لایحه وزیر - مباشرین ثبت نمی توانند سوا سندی را که در دفاتر ثبت شده بکسی غیر از اشخاصی که در معامله شرکت دارند یا وکلای آنها و یا وراثت و یا باشخاصی که حق با آنها منتقل شده است بدهند.

[کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود].

ماده ۹۴ - مباشرین ثبت نمی توانند سواد سندی را که در دفاتر ثبت شده بکسی غیر از اشخاصی که حق گرفتن صورت را دارند بدهند.

**بهبخت** - ببقیده بنده این ماده بکلی زیادی است چون ماده دیگری در این خصوص هست در ماده بیست میگوید مباشرین ثبت مکلفانند اسنادی را که نزد آنها میآورند اسفاده نمایند و مضمون آن اسناد را بکسی نگویند مگر در مواردی که قانون اجازه میدهد پس مقهور این ماده این است که انفا بالکلیه خواه باین باشد که اطلاعی با آنها بدهد یا بصورتی بدهد ممنوع است مگر در صورتیکه قانون اجازه استثناء می نماید و همین عبارت که افشا نماید شامل

تمام این طو است و قانون هم در ماده ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ تمام مواد استثنائیه ذکر کرده است پس این ماده لازم نیست جناب وزیر ماده بیست را ملاحظه فرمایند تصور میکنم مسترد بفرمایند این ماده را.

**آقای شیخ ابراهیم** - نسبت با اسناد ثبت شده يك مرتبه صورت ثبت را می گیرند هر چه هست حتی زیاده بر سند آنچه که فلان شعبات نوشته است که چه وقت آوردند چه شد چه کردند يك مرتبه همان سواد سند را بر میدارد میدهند بکسی که سندی را آورده اند برای ثبت کردن او ببرد نشان بدهد یا برود مضمون آنرا اطلاع بدهد اینها اقتضای است این مطالب زیادی نیست اطلاعات دادن و کشف کردن سند را ارائه دادن غیر از این است و تمام اینها لازم است علیحدگی قید شود.

**آقای حاج سید ابراهیم** - عرض میکنم در ماده نود و دو ما گفتم اشخاصی که در ماده قبل مذکور نیستند فقط بجهت عکسگانه که صلاحیت حکم را دارند میتوانند صورت بگیرند یعنی بغیر از اشخاصی که حق دارند یعنی شرکاء هستند یا وراث هستند که مباشرین ثبت میتوانند سواد سندی را که در دفاتر ثبت شده است بغیر از این اشخاص که در این مورد ذکر شده است بکسی دیگر بدهند.

**بهبخت** - عرض دارم

**رئیس** - مخالف هستید؟

**بهبخت** - خیر مخالف نیستم ولی توضیحی دارم آقای مغبّر عرض بنده را ملتفت نشاندند.

**رئیس** - بفرمایند.

**بهبخت** - آقای مغبّر عرض بنده را ملتفت نشده اند بنده میدانم که اقتضای است از صورت دادن ولی وقتی که امم را نمی گردیم بپهران منطقی اصح هم نمی میشود در صورت اثبات بکس است پس بنابراین وقتی که گفتم اقتضای حکم نیست همه اقسام و انواع اشخاص شامل است نشان دادن صورت دادن اظهار کردن تمام این موارد افشا شامل است.

**رئیس** - شما دارید در ضمن توضیح جواب مغبّر را میدهم مذاکرات کافی است حالا رای می گیریم آقایانی که با ماده نود و چهار کمیسیون بطوریکه خواننده شد موافقت قیام نمایند [با اکثریت پنجامرای تصویب شد].

ماده ۱۰۱ - لایحه وزیر - مباشرین ثبت می توانند باشخاصی که در معامله شرکت نداشته اند در باب اسنادی که ثبت میشود اطلاعات یا توضیحات بدهند.

ماده ۱۰۲ - استثنای از مفاد دو ماده قبل در مواد ذیل قانونیست.

**بهبخت** - اولاً - برای صاحبان عدلیه در صورتیکه ایفای وظایف آنها اقتضا کند و کتباً این لزوم را بباشر ثبت اظهار نمایند.

ثانیاً - برای امنای سایر دوائر دولتی کتباً این لزوم را اظهار و اجازه رئیس محکمه اشدائی را بآن اظهارنامه منضم نمایند.

ثالثاً - برای اشخاص غیر رسمی متفرقه یا با اجازه محکمه و یا رضایت اشخاصی که در معامله شرکت داشته اند.

[ماده ۱۰۲ و ۱۰۱ را کمیسیون اینطور تصویب کرده بود].

ماده ۹۵ - مباشرین ثبت نمیتوانند باشخاصی که حق گرفتن صورت یا سواد را ندارند در باب اسنادی که ثبت میشود اطلاعات یا توضیحات بدهند مگر در موارد مفصلاً الذیل.

اولاً - برای صاحبان عدلیه در صورتیکه ایفای وظایف آنها اقتضا کند کتباً این اقتضا را بباشرین ثبت اظهار نمایند.

ثانیاً - برای امنای سایر دوائر دولتی در صورتی که کتباً این لزوم را اظهار و اجازه رئیس محکمه ابتدائی را بآن اظهارنامه منضم نمایند.

ثالثاً - بغیر اشخاص مذکور در ماده اول و دوم این ماده مشروط بر رضایت اصحاب معامله یا موافقت ماده ۲۹ بجهت عکسگانه که صلاحیت دارد میباشد.

**رئیس** - يك اصلاحی از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است خواننده میشود (بمبارت ذیل خواننده شد)

ماده ۹۵ - در آخر ثالثاً در عوض مشروط به رضایت اصحاب معامله برضایت یکی از اشخاص حق گرفتن صورت را دارند نوشته شود

**رئیس** - چون این ماده هم مربوط است به ماده ۹۳ و او رجوع شد بکمیسیون این راهم خوب است بگذاریم بماند تا آن ماده اصلاح شود مغبّر چه می فرمایند.

**حاج شیخ ابراهیم** - صحیح است بماند.

[ماده ۱۰۳ - از لایحه وزیر بمبارت ذیل قرائت شد].

ماده ۱۰۳ - مباشر ثبت تصدیق مطابق بودن صورت ثبت دفتر با اصل ثبت و سواد سند را با اصل سند با تریببات مقرر بعمل می آورد.

(کمیسیون اینطور تصویب کرده بود).

ماده ۹۶ بمبارت ثبت تصدیق مطابق بودن صورت ثبت دفتر با اصل ثبت و سواد سند را با اصل سند با تریببات مقرر بعمل می آورد.

**رئیس** - مخالفی نیست رای میگیریم ماده نود و شش آقایانیکه تصویب میکنند ماده ۹۶ کمیسیون را بطوریکه خواننده شد قیام نمایند [با اکثریت ۵۵ رای تصویب شد].

ماده ۱۰۴ - از لایحه وزیر دادن صورت ثبت سند یا سواد هر دفعه باید در دفتر قید شود و نیز تصریح شده است که بکلی داده شده است (کمیسیون ماده ۱۰۴ را ماده ۹۷ فرار داد و همیناً تصویب نموده بود با تغییر لفظ قید شده) (باید قید شود).

**رئیس** - باین ماده هم کسی مخالف نیست رای میگیریم آقایانیکه ماده ۹۷ پیشنهاد کمیسیون را تصویب میکنند قیام نمایند [با اکثریت ۵۵ رای تصویب شد].

ماده ۱۰۵ - لایحه وزیر اشخاصی که صورت ثبت سند یا مقام سند را بگیرند باید رسیده آنرا در دفتر مباشر ثبت بنویسند.

کمیسیون اینطور تصویب کرده بود ماده ۹۸ - اشخاصی که صورت ثبت سند را بگیرند باید رسیده آنرا در دفتر فهرست به باشر ثبت نوشته و امضاء نمایند

**رئیس** - کسی مخالف نیست آقایانی که موافقت بمانده نود و هشت کمیسیون قیام نمایند

[با اکثریت پنجام و چهار رای تصویب شد].

ماده ۹۹ لایحه وزیر - صورتیکه موافق قواعد مقرر نوشته و داده شده است حکم اصل ثبت واصل سند را دارد مگر در مواردیکه قانون ابراز اصل سند را تقاضا میکند (کمیسیون اینطور تصویب کرده بود)

ماده ۹۹ - صورتیکه موافق قواعد مقرر نوشته و داده شده است حکم خود ثبت دفتر واصل سند را دارد و همچنین سواد که با رعایت ترتیبات قانون داده شده است حکم اصل سند را دارد ماده یک مطابق بودن صورت را باینست دفتر باینست دفتر با اصل سند مطابق بودن سواد را بااصل سند عرخی که به علیه او تصویب یا سواد ابراز شده است ثابت نموده ولی در مواردیکه قانون ابراز اصل سند را تقاضا میکند ابراز صورت یا سواد که از مباشرت ثبت اسناد گرفته شده است بجای اصل جایز نیست.

**رئیس** - مخالفی نیست رای میگیریم کسانی که با ماده ۹۹ پیشنهاد کمیسیون موافقت قیام نمایند [با اکثریت ۵۳ رای تصویب شد].

نصبت چهارم در تصدیقاتیکه مباشرین ثبت بدهند ماده ۱۰۶ لایحه وزیر - تصدیقاتیکه مباشرین ثبت به موجب خواهش از باب رجوع بفرمایند بدهند در موارد مفصلاً است اولاً تصدیق مطابق بودن سواد بااصل ثانیاً تصدیق اصل بودن امضاء ثالثاً تصدیق اینکه درجه تاریخ سندی در دفاتر ثبت ثبت شده است را با تصدیق حیات کسی خاصاً تصدیق اظهاریکه از طرف شخصی بشخص دیگری شده است کمیسیون اینطور تصویب کرده بود.

ماده ۱۰۰ تصدیقاتی که مباشرین ثبت بموجب خواهش از باب رجوع میتوانند بدهند در موارد مفصلاً الذیل اولاً تصدیق مطابق بودن سواد بااصل ثانیاً تصدیق اصالت امضاء ثالثاً تصدیق اینکه درجه تاریخ سندی در دفاتر ثبت شده است را با تصدیق اظهاریکه از طرف شخصی بشخص دیگری شده است خاصاً تصدیق هويت

**حاج آقا** - در پیشنهاد وزیر عوض تصدیق هويت تصدیق حیات نوشته شده است اگر چه تصدیق هويت هم باید بشود ولی بنده از آقای مغبّر سؤال میکنم تصدیق حیات را چرا نوشته اند

**حاج شیخ ابراهیم** - چون تصدیق هويت تصدیق حیات را هم شامل است با بهیج جهت دیگر تصدیق حیات را ننوشتیم.

**حاج آقا** - ممکن است معترف در اداره باشرت ثبت معرفی هويت کسی را بکنند که او در قید حیات نباشد مثلاً می آید میگوید این شخص کی بوده پس کی بوده تصدیق هويت هم ربطی به تصدیق حیات ندارد مثلاً بنده مباشر ثبت هستم تصدیق می کنم هويت شخصی را که او مرده است هويت یعنی او بودن او بودن مستلزم حیات نیست

**آقای شیخ ابراهیم** - چون آن ماده که خواهد آمد آنچه در آنجا نوشته است اینیکه کسی می آید در مباشر ثبت به مباشر ثبت میگوید بنویس من آدم فلان سند را دادم فلان اقرار کردم اگر مباشر خودش می شناسد و سابقه دارد می نویسد که فلان شخص آمد فلان سند را آورد من می شناسم او را قطعاً فلان بن فلان است و اگر يك کسی شایع شده است که مرده است آنوقت او می آید شاهد

ماده ۱۰۰ تصدیقاتی که مباشرین ثبت بموجب خواهش از باب رجوع میتوانند بدهند در موارد مفصلاً الذیل اولاً تصدیق مطابق بودن سواد بااصل ثانیاً تصدیق اصالت امضاء ثالثاً تصدیق اینکه درجه تاریخ سندی در دفاتر ثبت ثبت شده است را با تصدیق اظهاریکه از طرف شخصی بشخص دیگری شده است خاصاً تصدیق هويت

می آورد مدلل می کند که اینک شایع شده است من  
ماده ۱۰۸ این خلاف است دروغ است من نمرده ام  
زنده ام و این سند را من می دهم که ثبت کنید و به  
این معامله من اقرار می کنم آنوقت شاهد ها هم  
شهادت می دهند که این راست میگویی فلان پسر  
فلان است ما او را می شناسیم آن شهرت خلاف بوده  
آنوقت مباشرت میکند که فلان پسر فلان مدلل و  
ثابت کرد که آن شهرت فوت من خلاف بوده و اشخاص  
شهادت دادند که این همان شخص پسر فلان شخص است اسامی  
آنها را هم بترتیبی که تعیین شده است ثبت می کند  
روی نویسد باین دلایل من او را شناختم حالا اینهم  
بابت را می رساند هم هویت را .

**اصلاحی از طرف حاج آقا** این عبارت فرات  
شد بنده پیشنهاد می کنم که این عبارت بعنوان  
اصلاح زیاد شود ساداً تصدیق حیات (حاج آقا)  
**رئیس** - آقای مغیر اگر این اصلاح را  
قبول دارند رای لازم نیست والا در خود اصلاح رای  
باید گرفت .

**آقا شیخ ابراهیم** - این اصلاح هم خوب  
است ضرری ندارد .

**رئیس** - پس رای می گیریم آقایانی که با  
ماده ۱۰۹ پیشنهاد کمیسیون بضمیمه اصلاحی که از  
طرف آقای حاج آقا پیشنهاد شده است موافقت  
قیام نمایند ( با اکثریت پنججاه و چهار رای  
تصویب شد )

ماده ۱۰۷ از لایحه وزیر - در مورد تصدیق  
مطابق بودن سواد با اصل که بمباشر ثبت ارائه می  
شود مشارالیه باید سواد با اصل مطابق بوده در تصدیق  
قید کند کسی اصل سنده را با ارائه داد و سواد از اصل  
بر داشته شده است یا از سواد دیگری و در اصل یا  
در سواد اولی جای خراشیده یا تراشیده یا کلمات  
زیاد شده و یا ملاحظات مخصوص دیگری بوده یا نه  
( کمیسیون اینطور تصویب کرده بود )

ماده ۱۰۶ - در مورد تصدیق مطابق بودن  
سواد با اصل سندیکه بمباشر ثبت ارائه می شود  
مشارالیه باید سواد را با اصل مطابق نموده در تصدیق  
قید کند که چه کسی اصل را با ارائه داده و سواد  
از اصل بر داشته شده است یا از سواد دیگری در  
اصل یا سواد اولی جای تراشیده یا پاک شده یا  
کلمات زیاد شده و یا ملاحظات مخصوص دیگری  
بوده یا نه .

**رئیس** - مخالفی نیست رای می گیریم در ماده  
۱۰۱ کمیسیون بطوری که خوانده شد آقایانی  
که موافقت قیام نمایند ( با اکثریت ۵۵ رای  
تصویب شد )

ماده ۱۰۸ - از لایحه وزیر - تصدیق اصل  
بودن امضاء از قرار ذیل بعمل می آید هر گاه سندی  
را طرفین یا طرف در حضور مباشر ثبت امضاء  
نکرده اند یا باید در حضور او امضاء کنند  
و یا باید اقرار نمود اقرار شود را امضاء  
نمایند .  
[ کمیسیون اینطور تصویب کرده بود ]  
ماده ۱۰۲ تصدیق اصل بودن امضاء از قرار  
ذیل بعمل می آید .

هر گاه سندی را طرفین یا طرف در حضور  
مباشر ثبت امضاء نکرده اند یا باید در حضور او  
امضاء کنند و یا باید در حضور او اقرار نموده اقرار  
خود را امضاء نمایند .

**رئیس** - مخالفی نیست رای می گیریم کسانی  
که باماده صد و دو کمیسیون موافقت قیام نمایند  
[ با اکثریت پنججاه و پنج رای تصویب شد ] ( ماده  
تفصی است .  
( بعد از نفس سه ربع بشروب مانده جلسه  
تشکیل شد شروع بشود در بقیه قانون ثبت  
اسناد شد ) .

ماده ۱۰۹ لایحه وزیر تشخیص هویت اشخاصی  
که تصدیق امضاء می خواهند بمباشر ثبت آنها را  
نمی شناسد بترتیبی که در ماده ۹۳ مبین شده است  
باید بعمل بیاید [ کمیسیون این طور پیشنهاد  
کرده بود ] .

ماده ۱۰۳ - تشخیص هویت اشخاصی که  
تصدیق اصالت امضاء می خواهند بمباشر ثبت آنها  
را نمی شناسد بترتیبی که در ماده ۹۹ مبین شده  
است بعمل می آید و تصدیق اصل بودن امضاء را  
مباشر ثبت در روی اصل سند نوشته و امضاء  
می کند .

**رئیس** - مخالفی نیست رای می گیریم بماده  
۱۰۳ رایورت کمیسیون بترتیبی که فرات شد  
آقایانی که موافقت قیام نمایند ( اغلب قیام کردند )  
**رئیس** - با اکثریت ۵۳ رای تصویب شد  
ماده ۱۱۱ لایحه وزیر - تصدیق اینکه در چه  
تاریخ سندی در دفتر ثبت اسناد ثبت شده است از  
روی خود سنده بعمل می آید و قید می شود که کی آن  
سند را آورده بود .

ماده ۱۱۲ تصدیق مباشر ثبت در روی اصل  
سند مشرف خواهد بود بر این که در چه تاریخ و بیل  
کو یا کجا آنها سند در دفتر ثبت اسناد ثبت شده  
است ( کمیسیون این دو ماده را در یک ماده بمبارت ذیل  
پیشنهاد کرده بود ) .

ماده ۱۰۴ تصدیق اینکه در چه تاریخ سندی  
در دفتر ثبت اسناد ثبت شده است در روی خود سند  
بعمل می آید و قید می شود که چه شخص آن سند را  
آورده و در چه تاریخ و بخواهش چه شخص یا چه  
اشخاص آن سند در دفتر ثبت اسناد ثبت شده است  
**رئیس** - مخالفی نیست رای می گیریم  
بماده ۱۰۴ آقایانی که موافقت قیام نمایند ( اغلب  
قیام کردند )

**رئیس** - با اکثریت ۵۹ رای تصویب شد .  
ماده ۱۱۰ لایحه وزیر - در صورتیکه کسی  
بخواهد بکسی اظهاری بکند ممکن است که آن  
اظهار را توسط مباشر ثبت بنماید مثلا اظهار موجر  
بمستاجر در تغلیه خانه یا اظهار طلبکار بمقروض  
در تادیه دین ولی در کلیه این موارد باید اظهار  
برای نبل بمقصدی نباشد که مخالف قوانین است  
( کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود ) .

ماده ۱۰۰ در صورتی که شخصی بخواهد بطرف  
خود مطلبی را اعلام نماید ممکن است که آن اظهار را

بتوسط مباشر ثبت بعمل آورد مثلا اصلاح موجر به  
مستاجر در تغلیه خانه یا اظهار طلبکار بمقروض  
در تادیه دین ولی در کلیه این موارد باید اعلام  
برای نبل بمقصدی نباشد که برخلاف قوانین است

**رئیس** - کمیسیون پیشنهادی کرده است که  
عوض يك لفظ بلك لفظ دیگری نوشته شود خواننده  
میشود [ بمبارت ذیل فرات شد ] .

در صورتی که شخصی بخواهد بطرف خود مطلبی  
را اعلام نماید عوض ( مطلبی را ) ایفای حق یا اداه  
تکلیفی را اعلام نماید نوشته شود .

**آقا شیخ ابراهیم** - این يك مطلب علیحده  
نیست چون مطلب يك قدری مجمل بود از این جهت  
لازم بود که توضیح بشود .

**حاج آقا** - بعضی موادی هم از طرف کمیسیون  
پیشنهاد می شود بعنوان کمیسیون بنده می خواستم  
عرض کنم که بوجوب نظامنامه گویا مغیر کمیسیون  
این حق را نداشته باشد که از طرف کمیسیون اصلاحی  
پیشنهاد بکند .

**رئیس** - اگر این حق را نمی داشت بنده اول  
وظیفه ام این بود که قبول نکنم .

**بجهت** - بنده فقط می خواستم نظر مغیر  
را جلب بقبول این ماده کنم که می نویسد ولی در کلیه  
این موارد باید اعلام برای نبل بمقصدی نباشد که  
بر خلاف قوانین است در هر مطلبی هم قسم احتمالات  
می رود و ممکن است که اشخاص بمباشر ثبت اشتباه  
کاری بکنند که مقصود این شخص فلانست یعنی  
همین قدر که در صورت ظاهر اعلامی که به مستاجر  
خودش یا بدائن می کند خلاف قانون نباشد  
کافی است .

**آقا شیخ ابراهیم** - اگر عبارت ناقص باشد  
مطلب اینست که از قبیل اظهارات خلاف قانون  
نباشد مثلا بگوید پول نماز یا پول شراب مرا بده  
مقصود این است .

**حاج شیخ اسدالله** - بعضی از مواد در این  
قانون ثبت اسناد نوشته شده است که هیچ مناسبتی  
با اداره ثبت اسناد ندارد می نویسد هر کسی طلبی  
دارد از کسی بتوسط مباشر ثبت باو اعلام بکند  
که طلب مرا بده یا خانه مرا تغلیه بکن این  
ربطی بکار مباشرت ثبت ندارد مباشرت ثبت باید  
اسناد را ثبت بکند و يك وظیفه مبین دارد مباشر  
ثبت اسناد که نمی تواند واسطه خبر آوردن و خبر  
بردن بشود مثل اینکه در بعضی از موادی دیگر  
هم که از قبیل تصدیق حیات و مات و هویت  
باشد بعضی عرایضی داشتیم که چون گذشته است  
عرض نمی کنم و در اینجا این ماده را که اینکارها  
بتوسط مباشرت ثبت باشد زیادی میدانم .

**آقا شیخ ابراهیم** - مقصود از تشکیک اداره  
ثبت اسناد استحکام نوشتجات و امور مرده است  
و بعضی امور بود که مردم بآن محتاج بودند  
و يك اداره مخصوصی نداشت مثلا هر گاه کسی  
ملکی را بیع شرط گذاشته بود و موقع آن رسیده  
بود و می خواست پول طرف را بدهد و ملک خودش  
را از بیع شرط بیرون بیاورد اگر آن طرف سامعه

می کرد در گرفتن جائی مبین نبود که این شخص  
بآنجا اطلاع بدهد و این را بواسطه اشخاص متفرقه  
بعمل می آوردند و خیلی اسباب زحمت بود حالا دولت  
این کار را رجوع بیک اداره رسمی کرده است که  
مثلا اظهاراتی که از این قبیل است بپروند بآنجا  
بکنند و يك رسمیتی از اینگونه کارها بعمل بیاید  
و همچنین اگر کسی کاری دارد و می خواهد در اداره  
دولتی معروف بشود مثلا می خواهد پیش وزیر مالیه  
معرفی بشود و حقوق خودش را بگیرد می آید باین  
اداره و اشخاصی که او را می شناسند مبین می کنند  
و ثبت هم می شود آنوقت این اداره او را معرفی  
می کند و اسباب استحکام کار خواهد شد و ضرری  
هم ندارد .

**بجهت** - بنده چون این مطلب را خوب  
می دانم و برای این ملک هم لازمست لهذا راضی  
نمی شوم بآن بیانی که آقای مغیر می کنید بجهت  
این که این ماده مجمل است و ممکن هم نیست که  
بعد از رای دادن در این ماده همه جمهورا هم باشند  
و شرح بدهیم که مقصودمان محرمانه شریفه است  
همین قدر که آن اظهار مخالف قانون نباشد کافیست  
والا اینکه در ذیل این ماده نوشته شده است که  
آن اظهار برای نبل بمقصد نباشد این ماده را  
خنتی خواهد کرد و ممکن است که در هر موردی  
این احتمال را مباشر ثبت بدهد یا دیگران بر او  
اشتباه بکنند که این شخص فلان مقصود را دارد و  
این يك مطلب ناقصی را که ممکن است جلوگیری  
از خیلی مفاسد خنتی می کند و بیشتر اسباب اشکال  
خواهد شد پس بهتر این است که این را بنده ازیم  
و همچنین بنویسم که آن اظهار برخلاف قانون نباشد  
و از اجمال آن را بیرون بیاوریم .

**رئیس** - مذاکرات گویا کافی است گفتند  
رای بگیریم [ .  
**رئیس** - رای می گیریم بماده ( ۱۰۵ ) با  
اصلاحی که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است  
آقایانیکه موافقت قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت ( ۴۹ ) رای تصویب شد .  
ماده ( ۱۱۶ ) لایحه وزیر - مباشرت در این سواد  
تصدیق نامه اظهار را که با اطلاع او بعمل آمده است  
بهریک از طرفین که بخواهند میدهد .

ماده ( ۱۱۸ ) - اعتراض طرف باظهاریکه باو  
ابلاغ شده است در تصدیق نامه قید می تواند بشود  
ولی مشروط بر اینکه یا طرف خودش این قید را  
بخواهد و یا رضایت خود را اعلام و امضاء خود امضاء  
نماید کمیسیون این دو ماده را در يك ماده بمبارت  
ذیل پیشنهاد کرده بود .

ماده ( ۱۱۶ ) مباشرت در این موارد تصدیق -  
نامه اعلامی را که بتوسط او بعمل آمده است بهر يك  
از طرفین که بخواهند می دهد اعتراض طرف را  
باظهاریکه باو ابلاغ شده است در تصدیق نامه قید  
میتوان نمود ولی مشروط بر اینکه یا طرف آن قید  
را بخواهد و یا رضایت خود را ابراز و امضاء نمایند  
**رئیس** - يك اصلاح هم پیشنهاد شده است  
خواننده میشود .

اصلاح زیر از طرف آقا شیخ ابراهیم مغیر  
کمیسیون فرات شد .  
در عرض لفظ ( اعتراض طرف را ) لفظ جواب  
طرف را) نوشته شود .

**آقا شیخ ابراهیم** - چون ممکن است جواب  
موافق بدهد اعتراض نکند بگوید بله فلان روز  
می آیم پول خودم را میگیرم از اینجهت جواب  
نوشته شود بهتر است .

**وزیر عدلیه** - هر دو لازم است .  
**رئیس** - رای میگیریم به ماده ( ۱۰۶ )  
رایورت کمیسیون آقایانی که موافقت قیام نمایند  
[ اغلب قیام کردند ] .

**رئیس** - با اکثریت ( ۵۵ ) رای تصویب شد  
[ ماده ( ۱۱۹ ) لایحه وزیر - در صورتیکه طرف  
قائب باشد یا بواسطه مرضی یا جهات قانونی دیگری  
مباشرت را مباشرت بخواهش رجوع کننده می -  
تواند مراتب را تصدیق نماید .  
کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود .

ماده ( ۱۰۷ ) در صورتیکه طرف قائب باشد  
یا بواسطه مرضی یا جهات مشروع دیگری مباشرت را  
بپذیرد مباشرت بخواهش رجوع کننده میتواند مراتب  
را تصدیق نماید .

نیز اصلاحی بمبارت ذیل از طرف آقای آقا شیخ  
ابراهیم فرات شد .  
بمذا لفظ [ جهات مشروع دیگری نوشته شود  
[ یا بلاعذر مباشرت را بپذیرد یا پذیرفته جوابی  
باظهار او ندهد مباشرت بخواهش رجوع کننده تا  
آخر ماده ] .

**رئیس** - دوباره با اصلاح خواننده می شود .  
مجدداً با اصلاح مزبور ماده فرات شد .

**حاج شیخ اسدالله** - اینجا که نوشته است  
مراتب را تصدیق نماید صحت سند و اظهارات تصدیق  
کنید اینکه تصدیق می کنند که مرا پذیرفتند  
**آقا شیخ ابراهیم** - اینکه این را فرستاد  
لا بد ممکن است بعد از اینکه اظهار کرد جواب  
بدهند در خانه نیست یا اینکه در خانه هست و قدر  
مشروع هم ندارد و میگوید من نمی آیم بیرون هم  
جواب نمی دهم آنطرف هم بمباشرت میگوید  
این مطلبی را که میگوئی واضح شده است رفتی  
نبود یا رفتی مریض بود و میتوانست بیرون نیامد یا  
بلا عذر بیرون نیامد این را بدویس بنده این  
اشکالی ندارد .

**رئیس** - رای میگیریم به ماده ( ۱۰۷ )  
رایورت کمیسیون آقایانیکه موافقت قیام نمایند .  
اغلب قیام نمودند  
**رئیس** - با اکثریت ( ۴۴ ) رای تصویب شد .  
ماده ( ۱۱۶ ) لایحه وزیر مجدداً فرات شد .  
ماده ( ۱۰۸ ) رایورت کمیسیون - تصدیق  
هویت کی بدینطور بعمل می آید که بدو باید مباشر  
ثبت یقین کامل حاصل کنند شخصی که تصدیق می خواهد  
فی الواقع خود او است و هر گاه تصدیق خواننده را  
نشانند باید موافق ماده ۵۹ و ۶۰ اقدامات لازمه

در تشخیص هویت مشار الیه و حصول اطمینان به عمل  
آورد در این نوع تصدیقات باید بمباشرت تصدیق کنند  
که در چه تاریخ برای او یقین حاصل شده است که  
شخص تصدیق خواننده خود او است و اقداماتی را که  
برای تشخیص هویت او کرده است در تصدیق نامه  
قید کند .  
**رئیس** - مخالفی نیست ؟ رای میگیریم بماده  
۱۰۸ به ترتیبی که خواننده شد آقایانیکه موافقت قیام  
نمایند اغلب قیام نمودند .  
**رئیس** - با اکثریت ۴۹ رای تصویب شد .  
این ماده را کمیسیون الحاق کرده بود .  
ماده ۱۰۹ تصدیقاتی که بمباشرت موافق شرایط  
مقرر از قانون میدهد در محاکم و ادارات دولتی معتبر  
و محل اعتماد است مگر اینکه کسی که بر علیه او تصدیق  
مباشرت ابراز میشود مجبور بودن تصدیق نامه را  
مدلل کند .  
**حاج امام جمعه** - موافق همان عرضی  
که در اینجا عرض کردم اینجا عرض میکنم که يك  
لفظ عدلیه بعد از کلمه عا کم نوشته شود .  
**رئیس** - گویا نوشته شده است مجدداً خواننده  
میشود - مجدداً ماده مزبور فرات شد .  
**آقا شیخ ابراهیم** - محاکم و ادارات هر دو  
اضافه شده است بدولتی محاکم و ادارات دولتی دیگر  
لازم نیست .  
**رئیس** - رای میگیریم بماده ۱۰۹ رایورت  
کمیسیون آقایانیکه موافقت قیام نمایند اغلب  
قیام کردند .  
**رئیس** - با اکثریت ۵۱ رای تصویب شد .  
ماده ۱۱۷ - لایحه وزیر - هر تصدیق که بمباشر  
ثبت میدهد اسم اشخاص و تاریخ و سال و ماه و روز  
و ساعت در صورت لزوم و مضمون اظهار نوشته میشود  
کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود .  
ماده ۱۱۰ - در هر تصدیقی که بمباشرت میدهد  
باید اسم اشخاص و شهر و محل اقامت آنها و تاریخ و  
سال و ماه و روز و در صورت لزوم ساعت و مضمون اقرار  
یا اظهار نوشته شود و در دفتر فهرست مباشرت ثبت  
تمام نکات مزبور صریحاً قید میشود .  
**رئیس** - مخالفی نیست ؟ رای میگیریم به این  
ماده ۱۱۰ رایورت کمیسیون آقایانی که موافقت قیام  
نمایند اغلب قیام نمودند .  
**رئیس** - با اکثریت ۵۴ رای تصویب شد فصل  
۹ لایحه وزیر در قبول کردن اسنادیکه نزد مباشرین  
ثبت امانت میگذازند .  
ماده ۱۲۰ - مباشرین ثبت میتوانند در حضور  
شهود استادی را که نزد آنها امانت میگذازند قبول  
کنند ولو اینکه در یا کتبهای سر بهر باشد کمیسیون  
اینطور پیشنهاد کرده بود .  
نست پنجم - در اسنادیکه در مباشرت ثبت  
امانت میگذازند .  
ماده ۱۱۱ - مباشرین ثبت میتوانند در حضور شهود  
استادی را که در مباشرت ثبت امانت میگذازند قبول  
نمایند هر گاه صاحب امانت بخواهد امانت خود را در  
یاکت مهوور بمباشرت ثبت بیاورد باید در حضور شهود  
صورت مجلس راجع به اسناد نوشته شده و اسناد مذ کوره  
در لاف یا کت گذارده و مهر شده بمباشرت ثبت تودیع شود  
**آقا شیخ ابراهیم** - اینجا یک کلمه لازم است چون  
شهود بطور مطلق نوشته شده است ممکن است در

تعیین عده اختلاف بشود خوب است نوشته شود دو نفر یا زیادتر که رفع این اشکال بشود.

رئیس - مخالفی نیست؟ رأی می گیریم به این ماده ترتیبی که خوانده شد با این اصلاحی که مغیر اظهار کردند آقایی که موافقت قیام نمایند اغلب قیام کردند.

رئیس - با اکثریت ۵۳ رأی تصویب شد. ماده ۱۲۱ لایحه وزیر - مباشرت قبض رسیدی نوشته خودش و اشخاصی که شاهد قضیه بوده اند امضا مینمایند و رسید را در دفتر ثبت میکنند.

رئیس - ۱۱۲ - مباشرت قبض رسیدی نوشته خودش و اشخاصی که شاهد قضیه بوده اند امضا مینمایند و رسید را در دفتر فهرست ثبت میکنند.

رئیس - رأی می گیریم باین ماده ۱۱۳ آقایی که موافقت قیام نمایند. [اغلب قیام کردند.]

رئیس - با اکثریت ۵۰ رأی تصویب شد. ماده ۱۱۳ - هرگاه از باب رجوع قبض رسیدی اکتفاء نکرده بخواهند که در حضور شهود صورت مجلس نوشته شده تمام سند متنا و هاشم در آن صورت قید شود و اگر اسناد در لاف یا کت سر بهر است شکل ظاهری پاکت مهر و تصریح شود مباشرت مکلف است که آن تقاضای از باب رجوع را امضاء نموده صورت مذکور را ترتیب داده بهر از امضاء خودش و صاحب امانت و شهود صورت مذکور را مشارالیه در دفتر ثبت اسناد با ترتیب مقرر ثبت نموده صاحب امانت بدهد.

رئیس - رأی می گیریم باین ماده ۱۱۴ آقایی که موافقت با این ماده قیام نمایند اغلب قیام نمودند. رئیس - با اکثریت ۵۵ رأی تصویب شد. ماده ۱۲۳ - لایحه وزیر - اشخاصی که امانت خود را پس می گیرند باید استرداد آنرا در حضور دو نفر شاهد در دفتر مباشر ثبت قید و امضاء نمایند کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود.

رئیس - ۱۱۴ - اشخاصی که امانت خود را پس می گیرند باید استرداد آنرا در حضور دو نفر شاهد در دفتر مباشر ثبت قید و امضاء نمایند کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود. ماده ۱۱۴ - اشخاصی که امانت خود را پس می گیرند باید استرداد آنرا در حضور دو نفر شاهد در دفتر مباشر ثبت قید و امضاء نمایند کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود.

رئیس - اشخاصی که امانت خود را پس می گیرند باید استرداد آنرا در حضور دو نفر شاهد در دفتر مباشر ثبت قید و امضاء نمایند کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود.

رئیس - رأی می گیریم باین ماده ۱۱۵ آقایی که موافقت با این ماده قیام نمایند اغلب قیام نمودند. رئیس - با اکثریت ۵۱ رأی تصویب شد. ماده ۱۲۳ - لایحه وزیر - اشخاصی که امانت خود را پس می گیرند باید استرداد آنرا در حضور دو نفر شاهد در دفتر مباشر ثبت قید و امضاء نمایند کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود.

خواهد بود که امانت او را بدهد و قهر از این کار چاره دیگری ندارد. آقا محمد در حضور دو نفر شاهد بطور مطلق خوب نیست باید این طور نوشته شود در حضور دو نفر شاهد مستند والا بمجرد شهادت دو نفر کفایت نمی کنند.

مشیر حضور - من مخالف با آن کلمه آقای محمد نیستم ولی می خواستم بدانم اینکه می فرمایند مستند یعنی مستند مباشر ثبت باشد یا مستند صاحبان امانت آقا شیخ ابراهیم این تصور ندارد که کسی بگوید مستند یعنی محل اعتبار دیگری باشد من می خواهم شاهد را بپذیرم باید آن شاهد طرف اعتماد من باشد.

وزیر عدلیه - این ایراد اولی که کردند که اگر اتفاق افتاد که صاحب امانت صورت مجلس را کم کرد در آنجا چه باید کرد برای همین محله است که یک نسخه از صورت مجلس در دفتر مباشرت ثبت ضبط میشود برای این است که وقتی که صاحب امانت صورت مجلس خود را کم کرد می رود اعلام میکند که صورت مجلس خود را کم کرده ام آنوقت اگر صلاحیت گرفتن صورت را دارد که یک صورتی اداره مباشرت ثبت اسناد باو می دهد و اگر ندادید از آن که محکم نوشته می دهد در حال این برای همان موارد کم شدن است که در اینجا این قید شده است.

حاج شیخ اسدالله - این آزمایشی که آقای مشیر الدوله فرمودند صحیح است الا اینکه این عبارت واقع بآن مقصودی که می فرمایند نیست برای این که در این جا می نویسند که فقط وقتی آن امانت مسترد میشود که آن قبض با صورت مجلس را صاحب امانت مباشرت ارازه بدهد آقای مغیر یک فرمایشی کردند که آن صورت یا قبض را بر جای دیگر امانت بگذارد بنده عرض میکنم مجبور نیست جای دیگر بگذارد می فرمایند که از محکم حکم صادر بکنند بنده عرض می کنم در صورتی که یک موقعی است که این اسناد در محکم محل حاجت شده است و حکم محکم بعد از گرفتن این امانت و ارازه آن اسناد صادر بکنند بقیده بنده باید یک ماده یا یک عبارتی باینجا الحاق بشود که رفع این اشکالات بشود.

آقا شیخ ابراهیم - این امانت را گذارد یا قبض گرفت یا صورت مجلس مکلف است که کسی که قبض نکرده است آن امانت را بدهد یا اینکه مستمکن نیست البته وقتی که امانت خود را می دهد قبض یا صورت مجلس خواهم گرفت حالا وقتی که آنها را کم کرد تکلیف او این است که باید همانجا بگوید کم شده است یک صورت دیگری بن بنده آن صورت را می گیرد میرود نگاه میدارد هر وقت بخواهد آن صورت را میدهد امانت خود را میگیرد باینکه یک امانتی سپرده است و حالا او مرده است معلوم نیست اینکه آمده است مطالبه امانت میکند پس او هست یا نیست باید در محکم ثابت بکنند که این پس او است و محکم بعد از آن که معلوم کرد حکم بدهد والا ولو این که آن شخص قبض نموده باشد مباشرت ثبت نمیتواند

رئیس - مخالفی نیست - رأی می گیریم باین ماده ۱۱۶ راپورت کمیسیون آقایی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

بعضی ارازه یعنی امانت را بدهد باید در محکم ثابت بکنند که اینکه میگوید صاحب امانت بدین بوده است و حالا مرده است و من پس او مستم صبیح است و آنوقت محکم حکم بدهد امانت را بدهد بنده و همچنین هرگاه صورت مجلس را کم کرده است و صورت دیگری هم نکرده است می تواند در محکم با اطلاع همان شهودی که در موعه گذاشتن امانت حضور داشته بودند ثابت نمایند و از مباشرت ثبت امانت خود را بگیرد.

رئیس - رأی می گیریم در این ماده با اضافه لفظ مستند بعد از لفظ شاهد آقایی که موافقت قیام نمایند اغلب قیام کردند.

رئیس - با اکثریت ۴۸ رأی تصویب شد. ماده ۱۲۴ لایحه وزیر - اشخاصی که قبض رسید مباشرت ثبت یا صورت آنرا برای استرداد امانت ابراز مینمایند و معروف مباشرت نیستند باید حق خودشان را در گرفتن امانت ثابت نمایند کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود.

رئیس - با اکثریت ۱۱۵ اشخاصی که قبض رسید با صورت مجلس یا صورت اسناد مذکور را برای استرداد امانت ابراز نمایند و معروف مباشرت نیستند باید حق خودشان را در گرفتن آن امانت ثابت نمایند.

عزیز الملک - بنده تصور میکنم اینکه اینجا نوشته شده است باید حق خودشان را از گرفتن امانت ثابت نمایند بهتر این بود که نوشته شود باید خودشان را معرفی نمایند.

آقا شیخ ابراهیم - همینقدر کافی نیست باید مدلل نمایند که این حق را دارد.

رئیس - رأی می گیریم در ماده ۱۱۵ آقایی که موافقت قیام نمایند اغلب قیام نمودند.

رئیس - با اکثریت ۵۱ رأی تصویب شد. کمیسیون فصل ۱۰ از لایحه وزیر را حذف کرده بود.

وزیر عدلیه - بنده فصل دهم را پس می گیرم این فصل را کمیسیون الحاق نموده بود.

فصل ۲ - در مشاغل مدیران ثبت و دفتر دار کل و ترتیب انجام آن ماده ۱۱۹ مشاغل مدیران ثبت از قرار تفصیل است اولاً ترتیب دفتر را که در مشاغل تنظیم کن موافق نظامنامه که وزیر عدلیه مرتب مینماید.

ثانیاً - دادن صورت ثبت و دفاتر و سواد اسناد متعلقه بدفاتر که در دفتر را که مضبوط است و قبول استرداد امانت که بدفتر را که تودیع شده است. ثالثاً - فرستادن صورتی از ثبت املاک موقوفه بتمام مباشرت ثبت که در حوزه محکم ابتدائی متبوعه مدیر واقفند.

رابعاً - ترتیب دفتر اشخاصی که ورشکسته اعلان شده اند و همچنین صورت اشخاصی که در تحت قیمومیت یا ولایت شرعی اعلان شده اند برای اینکه در موقع لازمه با صورتی که مباشرت ثبت موافق ماده ۲۴ ترتیب میدهند مطابق بشود.

رئیس - مخالفی نیست - رأی می گیریم باین ماده ۱۱۶ راپورت کمیسیون آقایی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - با اکثریت ۵۰ رأی تصویب شد. ماده ۱۱۸ - دفتر دار کل مکلف است دفتر را که کل را موافق نظامنامه که وزیر عدلیه مرتب مینماید تنظیم نمایند و صورت ثبت دفاتر را که در دفتر را که کل مضبوط است با اشخاص ذی حق بدهد.

رئیس - مخالفی نیست - رأی می گیریم آقایی که موافقت با این ماده قیام نمایند اغلب قیام کردند.

رئیس - با اکثریت ۵۲ رأی تصویب شد. ماده ۱۱۸ - معاونان مدیر دفتر را که در دفتر دار کل بآنها در انجام مشاغل مرجوعه کمک می نمایند ولی صورت ثبت دفاتر و سواد اسناد را چه بدفاتر را فقط وقتی که معاونین مزبور میتوانند با اشخاص لازمه بدهند که مدیر دفتر دار کل غالب باشند در این موارد باید معاونین موافق قوانینی که برای مباشرت ثبت مقرر است رفتار نمایند.

رئیس - کسی مخالف نیست - رأی می گیریم باین ماده ۱۱۸ با تبدیل کلمه معاونان بمعاونین - آقایی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - با اکثریت ۵۳ رأی تصویب شد. فصل ۱۲ - لایحه وزیر در حقوق ثبت. ماده ۱۲۳ - حقوقی که برای ثبت اسناد دریافت میشود بر دو نوع است حقوق نسبی و حقوق ثابت کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود.

فصل ۲ - در حقوقی که اداره ثبت دریافت میدارد و ترتیب آن. ماده ۱۱۹ حقوقی که مباشرت ثبت و غیره دریافت میدارند بر دو نوع است حقوق نسبی و حقوق ثابت.

حاج آقا - چون ماده بعد راجع است باین ماده میخوانم عرض کنم که یکجا شده بود یعنی ماده بعد در ذیل همین ماده نوشته شود بجهت اینکه آنجا در انواع حقوق عنوان میکنند و هر دو نوع باید در همینجا معرفی بشود.

رئیس - مجبور نیستم ماده ۱۱۹ را اولی رأی بگیرم اول ماده ۱۲۰ را رأی می گیریم.

حاج آقا - بنیوشد چون این دو ماده یکی است حاج شیخ اسدالله - اینجا مینویسد فصل ۳ در حقوقی که اداره ثبت دریافت میدارد و در ماده مینویسد - حقوقی که مباشرت ثبت و غیره دریافت میدارند می خواهم آقای مغیر این و غیره را توضیح بفرمایند که مقصود چیست.

آقا شیخ ابراهیم - یعنی مدیران معاونین او همانطور که خوانند و اگر میخوانند چه بنویسند حقوقی که در اداره ثبت اسناد دریافت می دارند.

حاج آقا - در ماده بندی قانون ماده که رأی گرفته می شود باید تمام باشد آنوقت برویم ماده دیگر در اینجا که مانوشتم حقوقی که مباشرت ثبت دریافت میدارند بر دو نوع است حقوق ثابت و حقوق نسبی در این جلسه انتظار این هست که این دو لفظ معرفی بشود و معرفی این دو نوع هم باین است که ماده بعد در ذیل این ماده نوشته شود والا این دو نوع چندان اهمیت ندارد که در دو ماده نوشته شود علاوه بر ترتیب ماده بندی هم چنانچه عرض میکنم اینطور نیست.

رئیس - آقای مغیر چه می فرماید.

آقا شیخ ابراهیم - مطلبی نیست اگر یک مادهم بشود عیب ندارد ولی اینطور بهتر است عبارت

ماده ۱۲۰ بطوریکه ذیل نوشته می شود همینطور است حقوق نسبی باستانی تعلق میگیرد که متضمن نقل و انتقال اموال باشد حقوق ثابت باستانی تعلق میگیرد که موضوع آن نقل و انتقال اموال نباشد.

رئیس - رأی می گیریم باین دو ماده که یکی میشود - آقایی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - با اکثریت ۴۷ رأی تصویب شد. ماده ۱۲۱ - لایحه وزیر - تعرفه مخصوصی برای حقوق ثبت منظم باین نظامنامه خواهد بود.

ماده ۱۲۰ - تعرفه مخصوص برای تعیین حقوقی که در اداره ثبت اسناد دریافت میشود منظم باین قانون می باشد.

رئیس - رأی می گیریم باین ماده ۱۲۰ آقایی که موافقت با این ماده قیام نمایند.

رئیس - با اکثریت ۴۸ رأی تصویب شد. ماده ذیل را کمیسیون الحاق نموده بود.

ماده ۱۲۱ - هرگاه هر دو طرف معامله برای استفاده قانون بداره ثبت اسناد رجوع نمایند حقوق مقرر را بالنصف می پردازند والا طرحی که بداره مذکور رجوع می کنند ولی هرگاه اصحاب معامله ترازوی در باب تأدیبه حقوق مابین خودشان داده باشند موافق فرار داد آنها باید رفتار شود.

رئیس - رأی می گیریم باین ماده ۱۲۱ آقایی که موافقت هستند قیام نمایند.

رئیس - با اکثریت ۴۷ رأی تصویب شد. ماده ۲۷ - لایحه وزیر پس از ثبت سند مباشر ثبت مبلغ دریافتی را با تمام حروف در ذیل سواد سند در دفتر مینویسد.

ماده ۲۸ - اگر امر راجع بثبت یک اقرار است بطرفین قبض رسیدی از باب مبلغ دریافتی داده میشود و اگر راجع بثبت اسناد است رسید در ذیل خود سند نوشته شده و نمره و ورقه دفتر دو سند مزبور در آن ورقه ثبت شده است درج میشود و همچنین وجهی که دریافت شده است باید با تمام حروف در همان سند نوشته شود. ماده ۲۹ در صورتیکه معادل وجه دریافتی بر روی سند تمبر دولتی الحاق شده باشد نوشتن آن وجه در نبودن سند لازم نخواهد بود.

رئیس - رأی می گیریم باین ماده ۲۹ آقایی که موافقت هستند قیام نمایند.

رئیس - با اکثریت ۴۷ رأی تصویب شد. ماده ۲۷ - لایحه وزیر پس از ثبت سند مباشر ثبت مبلغ دریافتی را با تمام حروف در ذیل سواد سند در دفتر مینویسد.

ماده ۲۸ - اگر امر راجع بثبت یک اقرار است بطرفین قبض رسیدی از باب مبلغ دریافتی داده میشود و اگر راجع بثبت اسناد است رسید در ذیل خود سند نوشته شده و نمره و ورقه دفتر دو سند مزبور در آن ورقه ثبت شده است درج میشود و همچنین وجهی که دریافت شده است باید با تمام حروف در همان سند نوشته شود. ماده ۲۹ در صورتیکه معادل وجه دریافتی بر روی سند تمبر دولتی الحاق شده باشد نوشتن آن وجه در نبودن سند لازم نخواهد بود.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

ماده ۱۲۲ - پس از ثبت سند مباشرت مبلغ دریافتی را با تمام حروف در ذیل ثبت سند در دفتر و در روی سند مینویسد ولی در صورتی که معادل وجه دریافتی بر روی سند تمبر دولتی الحاق شده باشد نوشتن آن وجه در روی سند لازم نیست.

رئیس - رأی می گیریم باین ماده ۱۲۲ آقایی که موافقت با این ماده قیام نمایند اغلب قیام نمودند.

رئیس - با اکثریت ۴۹ رأی تصویب شد. یانی این قانون می ماند برای جلسه بعد تشکیل کمیسیون قوانین مالیه برای فردا صبح سه ساعت بظهر مانده لازم شده است از آقاییان امضاء خواهش میشود که سه ساعت بظهر مانده حاضر شوند.

رئیس - رأی می گیریم باین ماده ۱۲۲ آقایی که موافقت با این ماده قیام نمایند اغلب قیام نمودند.

رئیس - با اکثریت ۴۹ رأی تصویب شد. یانی این قانون می ماند برای جلسه بعد تشکیل کمیسیون قوانین مالیه برای فردا صبح سه ساعت بظهر مانده لازم شده است از آقاییان امضاء خواهش میشود که سه ساعت بظهر مانده حاضر شوند.

رئیس - با اکثریت ۴۹ رأی تصویب شد. یانی این قانون می ماند برای جلسه بعد تشکیل کمیسیون قوانین مالیه برای فردا صبح سه ساعت بظهر مانده لازم شده است از آقاییان امضاء خواهش میشود که سه ساعت بظهر مانده حاضر شوند.

رئیس - با اکثریت ۴۹ رأی تصویب شد. یانی این قانون می ماند برای جلسه بعد تشکیل کمیسیون قوانین مالیه برای فردا صبح سه ساعت بظهر مانده لازم شده است از آقاییان امضاء خواهش میشود که سه ساعت بظهر مانده حاضر شوند.

رئیس - با اکثریت ۴۹ رأی تصویب شد. یانی این قانون می ماند برای جلسه بعد تشکیل کمیسیون قوانین مالیه برای فردا صبح سه ساعت بظهر مانده لازم شده است از آقاییان امضاء خواهش میشود که سه ساعت بظهر مانده حاضر شوند.

رئیس - با اکثریت ۴۹ رأی تصویب شد. یانی این قانون می ماند برای جلسه بعد تشکیل کمیسیون قوانین مالیه برای فردا صبح سه ساعت بظهر مانده لازم شده است از آقاییان امضاء خواهش میشود که سه ساعت بظهر مانده حاضر شوند.

رئیس - با اکثریت ۴۹ رأی تصویب شد. یانی این قانون می ماند برای جلسه بعد تشکیل کمیسیون قوانین مالیه برای فردا صبح سه ساعت بظهر مانده لازم شده است از آقاییان امضاء خواهش میشود که سه ساعت بظهر مانده حاضر شوند.

دستور سه شنبه و پنجشنبه آتی گفته می شود دستور سه شنبه چهارم انتخاب. هیئت رئیسه تعیین شمس انتخاب کمیسیونها شور در راپورت کمیسیون تفسیر راجع باصل هفتم قانون اساسی دستور پنجشنبه ششم قانون ثبت اسناد شور دویم قانون فملی استکار شور اول دستور شنبه هشتم راپورت کمیسیون نظامنامه داخلی در باب دیر آمدگی و قیمت قانون ثبت اسناد آقای ادیب التجار راجع بدستور فرمایشی داشتند.

ادیب التجار - به عرض اینست که مدهای مدید است که در باب ارستادن لواجیح نجف اشرف گفتگو های زیاد شده است و بتأخیر افتاده است این کار را استدعا می کنم که در جزء دستور قرار بدهند که در خارج هم آقاییان اگر تبادل افکازی دارند بکنند و روز شنبه این مطلب بگذرد.

رئیس - عرض میکنم برای اینکه مذاکرات زیادی در مجلس برای دستور نشود قرار بر این شده است که مغربین کمیسیونها هر هفته یک روز که بند همین خواهد شد باین هیئت رئیسه که در آنجا مشاوره کنند و بترتیب دستور جلسات را معین کنند اما مطالبی که بکمیسیون نرفته است مثل همین مسئله اظهاره آقای ادیب التجار آنرا هم قرار شد که در هیئت رئیسه مذاکره کنیم و در دستور بیادیم.

آقای بهجت بجای آقای ممتاز الدوله به عضویت کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخاب و معین شده اند.

آقای سید محمد باقر ادیب - عرض کنم یک ماه قبل از اینکه بنده مریض بودم آقاییان حاج عز الممالک و بهجت تقاضا کرده بودند که یک کمیسیون نقری برای اصلاح امر عربستان تشکیل شود و چون کمیسیونی که برای تفتیش اسرجنوب تشکیل شده بود منعقد بود این بود که کمیسیون دیگری تشکیل شد و این کار هم راجع بآنجا شد بعد از اینکه بنده حاضر شدم یک روز با آقای عز الممالک بآن کمیسیون رفتم و ابتدا در این خصوص صحبت نشد تا اینکه آن کمیسیون بهم خورد حالا استدعا می کنم که کمیسیونی مجدداً تشکیل بشود که در خصوص امر عربستان در آنجا مذاکره شود و علاوه تقاضا میکنم که دوازده نفر انتخاب بشود.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

رئیس - همان کمیسیونی که سابق بود چه ضرر دارد دو مرتبه منعقد بشود و در این مطلب مذاکره بکنند گفتند صحیح است مغرب مجلس ختم شده.

آقا میرزا احمد حاج وکیل الرمایا با اجازه - آقای معاضدالمملک - ناصرالاسلام مریش بودند - سر داراصد - آقامیرزا رضای ستوفی در وقت مقرر حاضر شده اند.

رئیس - آقای مشیرحضور بفرمائید مشیر حضور - درصحن تلگرافاتی که از خارجه رسیده است در آنجا نوشته شده است ژنرال فونسلوگری با طوم بنده گمان میکنم ایران در باطوم ژنرال فونسلوگری ندارد فونسلوگری است.

رئیس - بلی صحیح است ملاحظات دیگری نیست اظهار می شود رئیس صورت مجلس را امضاء نمود رئیس - جواب تلگراف تبریک که از طرف مجلس شورای ملی به پارلمان ایتالیا شده بود رسیده است قرائت میشود (بضمون ذیل قرائت شد) آقای رئیس مجلس شورای ملی ایران

بمجلس معترم ایران که بوسیله جناب عالی بمناسبت جشن سال پنجاهم آزادی ایتالیا که با کمال افتخار این اوقات منعقد است تبریک گفته و مشارکت نموده اند بهترین تشکرات اعضای پارلمان ایتالیا و خودم را تقدیم نموده از دیار اقبال و ترقیات وطن شمارا زادبومی ماکان آرزو مند.

رئیس مجلس شورای ایتالیا (مارشور) رئیس - رایورت اعمال دو ماهه کمیسیون قوانین ماله به مضمون ذیل قرائت شد کمیسیون قوانین ماله از چهاردهم برج دلو تا چهاردهم برج حمل چهارده جلسه منعقد گشته قانون مالیات تریک و باره مواد قانون دیوان معاضات را که به کمیسیون ارجاع شده بود اصلاح نموده و به مجلس پیشنهاد نموده قانون استخدام مشتمل بر ۱۷ ماده با تمام رسید و رایورت داده شد لایحه راجعه باستقراضی که از طرف هیئت وزرای سابق پیشنهاد شده بود اصلاح شده و رایورت داده شد و مجدداً بتقاضای وزیر ماله کابینه جدید کمیسیون عودت داده شد و مطرح مفاکره است.

رئیس - دستور جلسه امروز را انتخاب هیئت رئیسه معین شب انتخاب که بهیچونها و شور اول در رایورت کمیسیون تفسیر راجع باصل مقیم قانون اساسی شروع میکنیم بانتخاب هیئت رئیسه.

دکتر اسمعیل خان - رایورت کمیسیون فوائد عامه را هم بخوانند رئیس - رایورت کمیسیون فوائد عامه هم خوانده میشود بعد شروع می کنیم بانتخاب [مبارت ذیل خوانده شد] کمیسیون فوائد عامه ازدهم شوال ۱۳۲۸ تا غره ربیع الثانی ۱۳۲۹ است و نه جلسه در تحت ریاست آقای دکتر اسمعیل خان تشکیل و از افراد ذیل لوابج از کمیسیون گذشته و رایورت آن بهیئت رئیسه تقدیم بعضی از آن لوابج از مجلس شورای ملی گذشته و برخی دیگر در مجلس معطل است لوابجی که از مجلس گذشته است.

(۱) امتیاز طلاشومی آستانه عراق بتاریخ ۲۸ شهرجادی الثانی . (۲) امتیاز کارخانه صابون بزی و چرم سازی بتاریخ ۲۹ ذی قعدة .

(۴) امتیاز طلاشومی کوه زر معروف به تروت شد ولی هنوز از مجلس نگذشته است [۴] قانون اساسی فوئدهامه مشتمل بر ۷ ماده بتاریخ ۲۴ شوال .

(۵) قانون خفیات مشتمل برده ماده بتاریخ ۲۸ ذی حجه . (۶) کنترات مسوولبشر بتاریخ ششم ذی حجه [۷] قانون پستی مشتمل بر ۷ ماده بتاریخ چهاردهم معرم ۱۳۲۹ .

[۸] ساختن تلگرافخانه و پستخانه در جلغای آذربایجان بتاریخ ۲۸ ذی حجه . (۹) خط جدید تلگرافی بطول ۲۴ فرسخ از راه چرد به معلات و خونسار و کمره و گلپایگان بتاریخ غره صفر .

(۱۰) قانون اصلاح قیمت مخاریات تلگرافی [۱۱] قانون شرکتها مشتمل بر ۹۳ ماده . رئیس - عرض کردم شروع میشود بانتخاب رئیس آقای حاجی عزالمملک در این باب فرمایش دارید .

حاجی عزالمملک - چون اداره مباشرت هم گویا در جرحه هیئت رئیسه انتخاب میشود چون بنده در این ششماه عضو اداره مباشرت بودم بواسطه اینکه عضو کمیسیون بودم هم هستم و کمیسیون بودم هم بعد از این جلسات آن زیاد خواهد شد از این جهت بنده عرض می کنم که نمی توانم عضویت اداره مباشرت را قبول کنم خواهش می کنم آقایان بنده را نرویند .

رئیس - عرض کردم حالا انتخاب رئیس است انتخاب اداره مباشرت نیست . سلیمان میرزا - حالا می خواهیم شروع کنیم بانتخاب رئیس چنانچه این مطالب مسلم است و همه میدانیم که رئیس مافوق تمام احزاب است و مکرر هم اینجا گفته شده است در این مرتبه هم که رئیس با اتفاق آراء انتخاب شد بر همه واضح و روشن است که در این مدت قبیل اگر مقایسه کنیم با سایر اوقات چندین برابر زمان بیش کار از پیش برده است و آقای مؤمن الملک نسبت به تمام احزاب بیک نظر همیشه متوجه بوده و رفتار کرده اند و از طرف خوب اقل این بنده اظهار می کنم که ایشان در نهایت بی طرفی نظامنامه داخلی را مجری دانستند و کارهای ما را در تحت انتظام آورده اند و باشارا کاندیدا می کنیم برای دوره بعد و استعدا می کنیم که قبول فرمائید .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - بعضی مطالب است که اظهارش در واقع از بی توضیح واضح است اظهارش بیک قدری بی ترتیبی است که در موقع آقای مؤمن الملک در اکثریت واقفیت و بی طرفی آنچه بوده اند تمام اتفاق کردند در انتخاب ایشان در موقعی که هیچ انتخابی نکرده بودند پس در این صورت که این مدت امتحان هم شده اند و ما ماهه متفق هستیم یقین است که با کمال میل تمام اعضاء مجلس ایشان را بدون این که هیچ شبهه بکنند ایشانرا انتخاب خواهند کرد .

رئیس - شروع میشود بانتخاب رئیس اول متین السلطنه اجرای بنده مطابق نظامنامه مسلم است باینکه شرایط بر اینکه اسباب تعویق را بدون این که هیچ شبهه بکنند ایشانرا انتخاب خواهند کرد .

رئیس - شروع میشود بانتخاب رئیس اول متین السلطنه اجرای بنده مطابق نظامنامه مسلم است باینکه شرایط بر اینکه اسباب تعویق را بدون این که هیچ شبهه بکنند ایشانرا انتخاب خواهند کرد .

رئیس - شروع میشود بانتخاب رئیس اول متین السلطنه اجرای بنده مطابق نظامنامه مسلم است باینکه شرایط بر اینکه اسباب تعویق را بدون این که هیچ شبهه بکنند ایشانرا انتخاب خواهند کرد .

کارشود تجربه معلوم شد که این بر اسباب سهولت نیست و اعضاء را بر ممتل میکنند و انتخاب شخص رئیس نظریه ایست که داشت البته همین شکل بهتر بود حالا بانی انتخابات را اگر آقایان تصویب میکنند به همان ترتیب سابق بشود گمان میکنم بهتر است و زودتر بگذرد.

رئیس - خوب مذاکره زیاد میکنیم چنانچه فرمودند روی تجربه معلوم شد حالا رای میگیریم که موافق سابقه رفتار کنیم یا نکنیم (ممنوع الملک - نمیتوانیم رای بگیریم) رئیس - چون سابقه دارد یکسال و نیم است عمل کرده ایم میتوانیم رای بگیریم اگر بخواهند بترتیب سابق رفتار بکنید چه در هیئت رئیسه و چه در موضوع دیگران - آقایان که موافق هستند رای میدهند این یک چیزی نیست که مذاکره لازم داشته باشد و از روی تجربه هم معلوم شده است.

عز الملک - تمام آقایان معلوم است بعد از یک سال و نیم معنی اینده نظامنامه را تهیه اند نهایت ملاحظه سهولت کار را کرده اند پس در این صورت آقای رئیس اینطور باید رای بگیرند که فیدان زحمت را داشته باشند یا نداشته باشند یعنی قید باینکه سهولت باید این انتخابات شود یا نباید مقید بشویم

رئیس - همانطور که عرض کردم رای میگیریم اینک انتخابات مطابق ترتیب سابق باشد یا مطابق نظامنامه آقایانیکه موافقند که باید بترتیب سابق باشد قیام نمایند (رد شد) پس همین ترتیبی که انتخاب کردیم رای میگیریم انتخاب نایب رئیس اول (اظهار شد دو سوم بنویسیم یا یکی)

رئیس - انتخاب نایب رئیس است و نباید فردی باشد (شروع بانتخاب نایب رئیس اول گردید و آقایان نمایندگان بترتیب ماده ۹۳ نظامنامه مذکور اقتضای آراء خودشان را آورده دادند مستخرجین سابق عز الملک - متین السلطنه - ادیب التجار آراء را استخراج کردند و عده آراء را ۷۰ و عده مهره تقشیشها را ۷۰ اعلان کردند)

معاضدالملک - عده حضار ۷۲ نفر امتناع کنندگان ۲ نفر لایق را یکی آقا میرزا مرتضی قلی خان با ۳۸ رای آقای وحیدالملک ۲۲ رای آقای حاجی سید نصرالله ۲۳ رای آقای فهیم الملک ۲۳ رای دکتر علی خان و معز الملک هر یک با یک رای رای رئیس - آقای میرزا مرتضی قلیخان با اکثریت ۳۸ رای تصویب شد شروع میکنیم باخذ رای از برای نایب رئیس دوم (اخترای شد مستخرجین سابق الذکر استخراج کرده عده آراء و مهره تقشیشها به ۷۰ اعلام کردند)

معاضدالملک - عده حضار ۷۲ رای دهندگان (۷۰) نفر آقای متین السلطنه ۳۱ رای آقا حسن علی خان با ۲۰ رای آقای حاجی سید نصرالله و آقای وحیدالملک و آقای معز الملک هر یک با سه رای آقای ذکاءالملک و بانو رای آقای فهیم الملک و آقای دکتر علی خان هر یک با یک رای و عده تقشیشها ۳۸ رای رئیس - نتیجه حاصل شد باید دوباره رای بگیریم انتخاب بشود

معز الملک - بنده تصور میکنم محض اینکه آراء مشتت نشود خوب بود اول میل آهناسی را که اسامان را نوشته اند میدانستند مثلا باسم بنده سه

رای نایب رئیس دوم (اخترای شد مستخرجین سابق الذکر استخراج کرده عده آراء و مهره تقشیشها به ۷۰ اعلام کردند)

معز الملک - بنده تصور میکنم محض اینکه آراء مشتت نشود خوب بود اول میل آهناسی را که اسامان را نوشته اند میدانستند مثلا باسم بنده سه

رای نوشته بودند در صورتیکه از بنده پرسیده بودند که بنده قبول میکنم یا نه و لازم دانستم که قیلا عدم میل خودم را اظهار کنم دیگر بنده استعدا میکنم که خوب است اینملاحظه را بفرمائید و بفرقه نویسنده کتیبچه زودتر حاصل بشود

رئیس - شروع می شود باخذ رای (مجدداً شروع بانتخاب گردید اخذ رای شده مستخرجین سابق استخراج نمودند عده اوراق (۷۱) مهره های تقشیشها (۷۱)

معاضدالملک - عده حضار ۷۳ رای دهندگان (۷۱) آقای متین السلطنه ۳۴ رای آقای حسن علی خان با ۲۵ رای آقای ذکاءالملک ۲۳ رای معز الملک بانو رای آقای حاجی سید نصرالله و آقای فهیم الملک هر یک با یک رای و عده تقشیشها ۷۱

رئیس - اکثریت حاصل شد دفعه سیم باید رای گرفته شود این دفعه با اکثریت نسبی کفایت می شود (ثالثاً شروع بانتخاب گردید اخذ رای شده مستخرجین سابق استخراج نمودند عده اوراق (۷۱) عده مهره تقشیشها (۷۱)

معاضدالملک - عده حضار ۷۳ رای دهندگان (۷۱) درقه سفید ۷۵ آقای متین السلطنه ۳۲ رای آقای حسان با ۳۰ رای آقای ذکاء الملک و آقای حاجی سید نصرالله هر یک با یک رای

رئیس - آقای متین السلطنه با اکثریت ۳۲ رای انتخاب شدند حال شروع می کنیم بانتخاب نفر منشی با انتخاب جمعی (برای انتخاب چهار نفر منشی اخذ رای شد)

رئیس - عرض میکنم که در باب انتخاب منشیها چون انتخابشان جمعی است و خیلی هم طول می کشد در نظام نامه هم نوشته شده است که استخراج هم ممکن است در خارج از مجلس بشود همین که عده اوراق رای و مهره های تقشیشها در مجلس معین شد کافی است پس بهتر این است که استخراج آراء منشیها را ببرند در خارج و در این ضمن ما مشغول میشویم بانتخاب اداره مباشرت مخالفی نیست (اظهار شد خبر مخالفی نیست)

(مستخرجین سابق الذکر نیز اوراق رای و مهره های تقشیشها را احصاء کرده عده آراء و مهرهها را هر یک هفتاد و دو اعلان کردند و برای استخراج بخارج تشریف بردند)

رئیس - انتخاب سه نفر می باشد ایضا بترتیب سابق موافق ماده ۹۳ شروع به انتخاب هیئت مباشرت و اخذ رای شده آقای حاجی میرزا رضاخان بقرعه آقایان معده هاشم میرزا و آقا شایخ ابراهیم زنجانی و حاجی سید ابراهیم مدرس را برای استخراج آراء معین اوراق رای و مهره های تقشیشها را احصاء و هر یک هفتاد اعلان کردند و برای استخراج آراء بخارج تشریف بردند

رئیس - شروع می کنیم بترتیب ششم (شروع بترتیب ششم شده و باقرعه قرار ذیل معین شدند) ششم اول - نجم آبادی - معاضد السلطنه - دهجدا - حاجی شهبلی خراسانی - آقا سید جلیل آقامیرزا محمد علی خان ترتیب - حاجی سید ابراهیم دکتر ابراهیم - معده هاشم میرزا - متین السلطنه - ضیاء الملک - آقا میرزا مرتضی قلیخان .

شبه دوم - افتخار الواعظین - حاجی سید نصرالله و وحید الملک - آقا سید محمد رضا - حاجی امام جمعه - آقامیرزا محمد نجات - حاجی شیخ رئیس - آقا شایخ معده خیابانی - آقا شایخ اسمعیل مشرودی - ذکاء الملک - آقامیرزا احمد میرزا رضا ستوفی .

شبه سوم - حاجی میرزا رضاخان - معده التجار آقا سید حسین اردبیلی - آقا شایخ علی شیرازی - صدرالمداء - فهیم الملک - حاجی معده کریمخان - آقا شایخ محمد حسین بزدری - شبانی - آقا شایخ ابراهیم زنجانی - معده السلطان - از باب کبشخرو .

شبه چهارم - حاجی وکیل الرعایا آقا سید حسن مدرس دکتر حبیب میرزا - علی زاده - مرتضی قلی خان بختیاری - آقای طباطبائی - نیر السلطان - رکن الممالک - معاضد الملک - حاج آقای شیرازی - ناصرالاسلام مؤمن الملک .

شبه پنجم - بهجت - ادیب التجار - سلیمان میرزا - معز الملک - حاجی صدیق الممالک - حاجی عز الممالک - آقا سید حسین کرازی - آقا میرزا رضا خان نائینی - آقا محمد بروجرودی - انتظام انصکاء - آقا میرزا اسدالله خان - سردستانی - آقا شایخ قلامعین .

شبه ششم - ابوالناسم میرزا - لواء الدوله آقا عبدالعزیز بروجرودی - آقا شایخ رضا - کاشف آقا سید معده باقر ادیب - لسان العکاء - آقا میرزا ابراهیم خان - آقامیرزا ابراهیم قمی - معین الرعایا - دکتر حاج رضاخان - آدینه محمدخان .

رئیس - پنج نفر دیگر میماند که هر یک از اول شروع میشود بیک ششم افزوده می شود برای ششم اول آقا میرزا داودخان برای ششم دوم دکتر اسمعیل خان برای ششم سیم عز الملک - برای ششم چهارم مشیر حضور - برای ششم پنجم دکتر علی خان - برای ششم ششم ده دقیقه نفس داده خواهد شد بعد رایورت کمیسیون تفسیر راجع باصل هفتم قانون اساسی مطرح مذاکره می شود (بعد از نفس بشریم قبل از غروب آفتاب مجلس تشکیل شد)

رئیس - نتیجه استخراج آراء انتخاب چهار نفر منشی خوانده میشود معاضدالملک - آقای آقامیرزا ابراهیم خان با ۴۹ رای آقای حاج میرزا رضا خان با ۴۱ رای آقای فهیم الملک با ۴۳ رای معاضد الملک با ۴۲ رای آقای ضیاء الممالک و آقای عز الملک هر یک با ۲۰ رای آقا سید حسین اردبیلی آقای آقا میرزا داودخان نائینی آقای معز الملک هر یک - آقا سید نصرالله و آقای معز الملک و طباطبائی و ذکاءالملک و لسان العکاء و معاضد السلطنه هر یک با یک رای .

رئیس - آقایان حاج میرزا رضا خان و فهیم الملک - معاضد الملک - آقامیرزا ابراهیم خان با اکثریت نام انتخاب شدند حال نتیجه استخراج آراء انتخاب مباشرین خوانده میشود

معاضدالملک - آقای از باب کبشخرو با ۶

معاضدالملک - آقای از باب کبشخرو با ۶

شبه دوم - افتخار الواعظین - حاجی سید نصرالله و وحید الملک - آقا سید محمد رضا - حاجی امام جمعه - آقامیرزا محمد نجات - حاجی شیخ رئیس - آقا شایخ معده خیابانی - آقا شایخ اسمعیل مشرودی - ذکاء الملک - آقامیرزا احمد میرزا رضا ستوفی .

شبه سوم - حاجی میرزا رضاخان - معده التجار آقا سید حسین اردبیلی - آقا شایخ علی شیرازی - صدرالمداء - فهیم الملک - حاجی معده کریمخان - آقا شایخ محمد حسین بزدری - شبانی - آقا شایخ ابراهیم زنجانی - معده السلطان - از باب کبشخرو .

شبه چهارم - حاجی وکیل الرعایا آقا سید حسن مدرس دکتر حبیب میرزا - علی زاده - مرتضی قلی خان بختیاری - آقای طباطبائی - نیر السلطان - رکن الممالک - معاضد الملک - حاج آقای شیرازی - ناصرالاسلام مؤمن الملک .

شبه پنجم - بهجت - ادیب التجار - سلیمان میرزا - معز الملک - حاجی صدیق الممالک - حاجی عز الممالک - آقا سید حسین کرازی - آقا میرزا رضا خان نائینی - آقا محمد بروجرودی - انتظام انصکاء - آقا میرزا اسدالله خان - سردستانی - آقا شایخ قلامعین .

شبه ششم - ابوالناسم میرزا - لواء الدوله آقا عبدالعزیز بروجرودی - آقا شایخ رضا - کاشف آقا سید معده باقر ادیب - لسان العکاء - آقا میرزا ابراهیم خان - آقامیرزا ابراهیم قمی - معین الرعایا - دکتر حاج رضاخان - آدینه محمدخان .

رئیس - پنج نفر دیگر میماند که هر یک از اول شروع میشود بیک ششم افزوده می شود برای ششم اول آقا میرزا داودخان برای ششم دوم دکتر اسمعیل خان برای ششم سیم عز الملک - برای ششم چهارم مشیر حضور - برای ششم پنجم دکتر علی خان - برای ششم ششم ده دقیقه نفس داده خواهد شد بعد رایورت کمیسیون تفسیر راجع باصل هفتم قانون اساسی مطرح مذاکره می شود (بعد از نفس بشریم قبل از غروب آفتاب مجلس تشکیل شد)

رئیس - نتیجه استخراج آراء انتخاب چهار نفر منشی خوانده میشود معاضدالملک - آقای آقامیرزا ابراهیم خان با ۴۹ رای آقای حاج میرزا رضا خان با ۴۱ رای آقای فهیم الملک با ۴۳ رای معاضد الملک با ۴۲ رای آقای ضیاء الممالک و آقای عز الملک هر یک با ۲۰ رای آقا سید حسین اردبیلی آقای آقا میرزا داودخان نائینی آقای معز الملک هر یک - آقا سید نصرالله و آقای معز الملک و طباطبائی و ذکاءالملک و لسان العکاء و معاضد السلطنه هر یک با یک رای .

رئیس - آقایان حاج میرزا رضا خان و فهیم الملک - معاضد الملک - آقامیرزا ابراهیم خان با اکثریت نام انتخاب شدند حال نتیجه استخراج آراء انتخاب مباشرین خوانده میشود

معاضدالملک - آقای از باب کبشخرو با ۶

معاضدالملک - آقای از باب کبشخرو با ۶

رای آقای عزالمملک با ۳۴ رای آقای آقا میرزا رضاخان نائینی با ۲۹ رای آقای منتصر السلطان و آقای ابوالقاسم میرزا هر یک با ۲۱ رای آقای لواء الدوله با ۱۱ رای آقای دکتر حاج رضاخان - آقای شیانی - آقای کردستانی هر یک با دوری آقای اسان الحکماء آقای انتظام الحکماء آقای منتهدالتجار - آقای وحید المملک - آقای کاشف آقای ادیب التجار - آقای حاج عزالمملک آقای مبین الرعا با آقای علی زاده هر یک با یک رای -

رئیس - چنانچه ملاحظه میفرمائید فقط آقای ارباب کیخسرو با اکثریت تام یعنی فریب با اتفاق منتخب شده اند بنابراین باید برای دیگران تجدید انتخاب بشود -

ارباب کیخسرو - بنده قبل از آنکه این رای گرفته شود دو یک ورقه نوشتم و عرض کردم که بنده قبول این خدمت را نخواهم کرد و حالا استدعا دارم که یک نفر دیگر را هم بجای بنده انتخاب نمایند -

رئیس - بنده لازم نیست که اینجا در باب آقای ارباب کیخسرو شرح مفصلي عرض کنم برای اینکه خاطر آقایان ارواحانی که میکنند بخوبی مدبرون هست و بنده بخوبی میتوانم عرض کنم که آقای ارباب کیخسرو اگر بخوانند متحمل این زحمت نشوند دور نیست که بنده هم تا یک درجه حاضر نباشم برای ریاست مجلس و در واقع میتوانم عرض کنم که نشاء از زحمات هیئت رئیسه را ایشان متحمل میشوند و کفار هیئت رئیسه تقیینه را خیلی سهل کرده اند و بنده استدعا میکنم که استعفاي خودشان را پس بگیرند -

رئیس - حالا شروع می کنم با انتخاب دونهر مباشر دیگر -

[بطریق انتخاب سایرین اخذ رای شد] - رئیس - آقایانی که بفرقه برای استخراج آراء انتخاب مباشرین شریف بیارند آقایان آقا شیخ ابراهیم - حاج سید ابراهیم - محمد امام میرزا مستخرجین سابق آراء و مهرها را از فرار ذیل احصا نمودند عده اوراق و مهرها ۶۹ -

رئیس - اینها در خارج استخراج میشود (مستخرجین آراء را بردند با طاق دیگر استخراج نمایند) -

رئیس - دستور رایورث کمیسیون تفسیر است ولی آقای مخیر تقاضا کرده اند بماند برای جلسه بعد بنا بر این چیز دیگری برای دستور نداریم کمیسیونها را هم فرار شده که موافق نظامنامه داخلی در بیرون در اطراف دیگر ترتیب معین بشود که آقایان بروند آنجا و رای بدهند و امور ما بیش از این معطل نماند حالا اگر مجلس موافق است با اینکه رایورث کمیسیون تفسیر بماند برای جلسه آتی مجلس را ختم می کنیم دستور جلسه آتی در روز شنبه معین شده است دستور سه شنبه آتی هم گفته می شود قرار داد کمیانی خاصه جات شور اول

در قانون هیئات دو جلسه روز پنج شنبه موافق دستوری که معین شده است اتخاذ خواهد شد کمیسیونها را هم موافق نظامنامه داخلی همانطور که عرض کردم در همان روز انتخاب خواهیم کرد -

حاج آقا - راجع رایورث کمیسیون تفسیر بنده عقیده ام این بود که همین امروز بگذرد ولی حالا که مخیر تقاضا کرده است باشد برای جلسه آتی ولی بنده چند روز قبل تقاضا کردم که جزء دستور جلسات این چند روزه رایورث کمیسیون تفتیش مالیه در خصوص حساب آقای حاج وکیل الرعایا گذاشته شود و بعد هم فرمودید ولی در ضمن این دستورها که فرمودید نبود و بنده لازم می دانم این مطلب را از تمام آن چیزهایی که در دستور گذاشته شده است و تقاضا میکنم که در جزء دستور یکی از این جلسات معین بشود (بعضیها اجازه خواستند)

رئیس - اگر راجع دستور است عرض کردم بعد از اینکه کمیسیونها معین شد مخیرین آنها می نشینند و در میان خودشان يك فراری میکنند که در هفته يك روز معین شریف بیارند در هیئت رئیسه و موافق دستورالعملی که هر یک از مخیرین از کمیسیون خردش گرفته است دستور جلسات را معین می کند و دیگر در مجلس اتلاف وقت است که در باب دستور صحبت بشود -

معزز المملک - عرض بنده هم راجع دستور است ولی چون مطلبی است فوق العاده اگر اجازه می فرمائید عرض کنم -

رئیس - بفرمائید -

معزز المملک - عرض میکنم چون در هفته آتی تمام کمیسیونها انتخاب خواهند شد و از طرف دیگر ما شش نفر کسر اعضاء مجلس داریم که باید انتخاب بشود از این جهت اگر مجلس موافقت داشته باشد بنده عقیده ام این است که در ابتداء جلسه آتی اول آن و کلاء را انتخاب کنیم که آنها هم در انتخاب کمیسیونها شرکت می کنند عقیده بنده این است حالا اگر مجلس هم موافقت دارد که در جزء دستور جلسه آتی گذاشته شود -

رئیس - اگر بنا شد این انتخاب را همین طوریکه فرمودید - دستور جلسه آتی می گذاریم باید رای بگیریم -

[گفتند صحیح است] - رئیس - رای می گیریم آقایانی که با این اظهار آقای معزز المملک موافقت قیام نمایند -

[اغلب قیام نکردند و تقاضای رایورث شد] (مجلس مغرب ختم گردید) -

جلسه ۳۳۱ صورت مشروح روز پنجشنبه ۶ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹ مجلس سه ساعت و نیم قبل از فرود بریاست آقای مؤمن المملک تشکیل و سه ساعت و ربع بفریب مانده رسماً منعقد شد صورت مجلس روز سه شنبه را آقای معاضد المملک قرائت نمود -

خودش را به بیند و مراجعه می کند که اگر بعضی الفاظ پس و پیش شده است یا بعضی اغلاط داخل آنها شده است اصلاح بکنند و از حالا عرض می کنم که آن موعنه چه موعنه خواهد بود که از آن ساعت و موقع که گذشت هر کس بخواند باید نطق خودش را اصلاح بکند حق نخواهد داشت برای اینکه نطقها باید برود در روزنامه رسمی نوشته بشود و اگر بنا شود که هر کس در هر موعنه بخواند نطق خودش را اصلاح نماید خیلی بتعویق می افتد و اسباب اشکال خواهد شد -

نطق های روز شنبه سه شنبه صبح حاضر خواهد بود تا ظهر و ظهر به مطربه خواهد رفت در این مدت هر کس حق دارد باید نطق خودش را ملاحظه بکند برای نطقهای روز سه شنبه شنبه صبح از سه ساعت بظهر مانده تا ظهر برای نطقهای روز پنجشنبه بکشنه بدش از یک ساعت بظهر مانده تا چهار ساعت بعد از ظهر نتیجه استخراج دونهر مباشرین است که خوانده میشود -

معاضد المملک - آقای عزالمملک با ۴۲ رای آقای آقا میرزا رضاخان نائینی با ۳۲ رای آقای ابوالقاسم میرزا و آقای منتصر السلطان با ۲۲ رای آقای لواء الدوله با ۶ رای آقای منتهدالتجار با ۴ رای آقای ادیب التجار با ۳ رای آقای حاج عزالمملک آقای میرزا اسد الله خان آقا سید حسین اردبیلی آقای معاضد السلطنه هر کدام با یک رای -

رئیس - آقای عزالمملک با اکثریت چهار رای انتخاب شدند حالا باید يك نفر مباشر دیگر انتخاب بشود -

عز المملک شده چون عضو کمیسیون نظام نامه انتخابات هستم و کار های آن کمیسیون هم میدانم زیاد است و خیلی بر زحمت و مهم است و هفته سه مرتبه حتماً باید جلسه داشته باشیم و به علاوه کمیسیونهای دائمی که انتخاب میشود در یکی از آنها هم باید باشم و بنده عضویت و خدمت در این کمیسیونها را ترجیح بر این خدمت میدهم یعنی بعقیده خودم این است که از این خدمت استعفا میدهم -

رئیس - این قبیل مطالب را خوب است در خارج مجلس معین بکنیم که وقتیکه در مجلس آمدیم بدانیم این شخص را که انتخاب می کنیم قبول خواهد کرد حالا يك بهشتی یعنی يك چند نفری میتواند در خارج به نشینند و در این خصوص مذاکره بکنند و الا این طوری که بیاییم انتخاب بکنیم و وقتیکه مذاکره میشود استعفا بدهیم اسباب اتلاف وقت است -

ارباب کیخسرو - بدین بر روز قبل از این که مشغول انتخاب بشوند عرض کرده بودم که بنده را از اینکار معذور داشته باشند و قبل از آن هم با غالب آقایان که مذاکره این کار شده بود عرض کرده بودم که بنده قبول نخواهم کرد این بود که بعد انتخاب کردند و آقای رئیس هم از روی مرحمت بعضی بیانات فرمودند که بنده را شرمند فرمودند ولی با وجود این بنده استعفا دارم که حالا که انتخاب میکنند بجای بنده هم يك کس دیگر را انتخاب کنند که مجدداً اسباب زحمت نشود -

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم که از برای اداره مباشرت اگر آقای ارباب کیخسرو نباشند ما هیچ کس را نداریم که بتواند خوب از عهده بر بیاید چنانچه ایشان بر می آیند همیشه هم ایشان را بالاتفاق نوشته اند و این دفعه هم بنده از طرف خودمان که خوب داخل هستیم اطلاع دارم که بالاتفاق ایشان را نوشته اند و در مجلس هم گویا با اتفاق بود بنابراین بنده می توانم از طرف عموم نمایندگان بالاتفاق اظهار بکنم که همه ایشان را قبول دارند و استدعا می کنم که ایشان هم قبول فرمایند و استعفا فرمایند زیرا که دو مرتبه ایشان را انتخاب خواهند کرد (گفتند صحیح است)

رئیس - حالا باید شروع بکنیم با انتخاب مباشرین -

آقا میرزا مرتضی قلیخان - بنده عرض می کنم که انتخاب هیئت مباشرت را بجلسه دیگر بگذارید که در این خصوص در خارج مذاکره شود شاید انشاء الله رفع این محظوری که فرمودید بشود و در باب آقای ارباب گمان می کنم که ایشان هم شرف اتفاق مجلس را حفظ بکنند و قبول این کار را بکنند و این اتفاق را که مجلس اظهار کرده است بی نتیجه نگذارند -

رئیس - تقاضا می کنید که این انتخاب به ماند بجلسه بعد -

آقا میرزا مرتضی قلیخان - بله تقاضا می کنم -

رئیس - خیلی خوب باید رای بگیریم آقایانی که موافق هستند با این تقاضا که انتخاب هیئت مباشرت بماند بجلسه بعد قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) -

(با اکثریت تصویب شد) - دستور جلسه امروز انتخاب کمیسیونهای رایورث کمیسیون تفسیر راجع بتفسیر اصل هفتم قانون اساسی - قساقون ثبت اسناد - قساقون منع احتکار است حالا شروع می کنیم با انتخاب کمیسیونها اول کمیسیون خارجه بعد کمیسیون نظام همه کمیسیونها داشته اند کمیسیون هدیه هم بطور ترتیب و در ضمن مذاکرات هم میتوانیم این انتخاب را بتسلیم که اسباب اتلاف وقت نشود یعنی به ترتیبی که در نظامنامه داخلی معین شده است که يك نفر از منشیها و دونهر یک از آقایان نمایندگان بفرقه معین میشوند می روند در خارج که مواظب این کار باشند و آقایانی که تشریف می برند که رای بدهند خوب است به ترتیب سف اول و دوم از این طرف (ست چپ) شروع می فرمایند و يك نفر يك نفر تشریف ببرند در آنجای خودشان را بدهند مراجعت کنند آنوقت دیگری برود حالا اگر در این خصوص مخالفی نیست همین ترتیب شروع میکنیم با انتخاب کمیسیونها (گفتند صحیح است) پس باید دونهر بفرقه معین بشود [ آقای حاج میرزا رضا خان آقایان آقا میرزا رضای مستوفی دکتر حیدر میرزا را برای اخذ رای انتخاب کمیسیونها در خارج بفرقه معین نموده بخارج مجلس تشریف بردند ] رئیس - حالا بجهان ترتیبی که عرض کردم

آقایان بکنند بکنند تشریف میبرند رای میدهند و مراجعت میکنند و در ضمن هم مشغول مذاکرات خواهیم بود که تقسیم وقت نشود رایورث کمیسیون تفسیر راجع به تفسیر اصل هفتم قانون اساسی است خوانده میشود -

[آقا میرزا ابراهیم خان رایورث بود را به ارباب ذیل قرائت نمود] دونهر از بند هفتم قانون اساسی یکی اینکه میگوید در موقع شروع به مذاکره باید در وقت از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رای سه ربع از اعضاء حاضر بوده دیگری اینکه میگوید [ و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رای بدهند ] به کمیسیون تفسیر ارجاع شده بود کمیسیون رایورثی اگر خود را با نظریات آن بطوری که در ذیل ذکر میشود بمجلس تقسیم نمایند -

دونهر کمیسیون مراد از اعضاء در فرقه اولی اعضاء حاضرین در مرکز است و آنانکه از مرکز غایبند چه کسانی که حاضر شده بعد فقیت اختیار کرده اند و چه آنها که از اول امر حاضر مرکز نشده اند مشمول لفظ اعضاء که در فرقه مذکور است نیستند مقرب مقصود اینکه مجلس را واصل عبارت از مجلس جاوس و غالباً از آن جالسین اراده میشود و اعضاء از آنجا که واریت تر لکن مجلس ملی ایران بطور کلی باصطلاحی که امروز در میان است عبارت از هیئت مر که از صد و بیست نفر نماینده ملت است بملاحظه داشتن هر صد هزار ملت يك نفر نماینده و بر موجد قانون دولت شوریه رای اکثر این هیئتولو بملاوه يك نفر مناط اعتبار است زیرا که آن رای بجای رای اکثریت است و بر حسب اقتضای مقتضیات و موانع در این دوره ما چنین قرار گذارده شده که بعضی از این درجات اکثریه هیئت صد و بیست نفر که شصت و یک نفر باشد مجلس افتتاح یافته همین اکثریه حکم مجلس تام را داشته رای اکثر ایشان در مدت غیاب دیگران مناط اعتبار و اجراء است چنانکه در دوره گذشته منتخبین طهران در غیاب دیگران همین حکم را داشتند پس بعد که رای آنها را حال اجتماع با دیگران مناط اعتبار و مذاق قبول رد است در این دوره در مدت غیبت دیگران بمنزله مجلس نام شده رای اکثر ایشان مانند اکثر مجلس نام در مدت غیبت دیگران مناط اعتبار و اجراء گردیده و از روی این قرارداد هروقتی کدر مرکز شصت و یک نفر نماینده حاضر شدند در مرکز مجلس موجود شده جای درخواست کردن ملت افتتاح مجلس را از شاه پیدا میشود چنانکه در دوره گذشته بعضی منتخبین طهران مجلس در مرکز موجود جای آن درخواست مذکور پیدا میشد و باید دانست که چنانکه منتخبین طهران در دوره گذشته شصت و یک نفر از این دوره در مدت غیبت دیگران بمنزله مجلس تام بوده است و رای ایشان با اکثریتی که در مواد قانون اساسی قید شده است مناط اعتبار بوده و هست كذلك وقتی که یکی یا بیشتر بر عددشان افزود مجلس حاضر مرکز عبارت از همه حاضرین در مرکز بوده اکثریتی که در مواد قانون اساسی قید شده است نسبت به همه آنها ملحوظ خواهد شد بجهت اینکه مناط اعتبار بودن رای اکثر منتخبین طهران در دوره گذشته و ۶۱ نفر در این دوره معتمد به غیاب دیگران است چنانکه ماده شش قانون اساسی که میگوید (رای ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات با اکثریت

مناط اعتبار واجرا است) صریحاً اینمندی را میسراند چرا که معنی آن این است که در وقت حضور دیگران اکثریت نسبت به همه حاضرین ملحوظ خواهد بود و این معنی نسبت به ماده منسوخه واضح است و نسبت به ماده منسوخه ماده خالی از وضوح نیست زیرا که آنچه تفسیر داده شده است لفظ منتخبین طهران است که تبدیل بلفظ ۶۱ نفر شده است و آنچه تفسیر به تعقیق بیوسته است همین فقره است و سایر فقراتش بحال خود باقی میماند چه کسی ملتزم نمیشود که با حضور صد و بیست نفر ملاحظه اکثریتی که قبلاً شده است نسبت به ۶۱ نفر ملحوظ خواهد بود بعد از معلوم شدن این مذکورات بطور واضح معلوم می شود که مجلس در اصطلاح امروز هم ممکن است به هیئت مرکب از صد و بیست نفر گفته شود بملاحظه هم ممکن است بمجلس حاضر در مرکز و موجود در طهران گفته شود بملاحظه و اراده هر یک از این دو معنی از فرائض استفاده میشود مثلاً اگر گفته شود بحضور نصف اعضاء مجلس بملاوه یک نفر مجلس افتتاح مییابد یعنی مراد از مجلسی که اعضاء به سوی آن اضافه شده است مجلس تمام کامل کلی ایران است که هیئت مرکب از ۱۳۰ نفر باشد بمکس لفظ مجلس دوم که مراد آراء هیئت مرکب ۶۱ نفر است چنانکه مراد از مجلس در ماده ششم قانون اساسی که میگوید (حق انعقاد مجلس را داشته و در ماده پنجاه و هفتم نظامنامه انتخابات که ناسخ ماده هفتم قانون اساسی است که میگوید (مجلس افتتاح مییابد) هیئت مرکب از منتخبین طهران و ۶۱ نفر است پس بطوری که بیان شد مجلس صاحب درجات و مراتب است بهر مرتبه از ۶۱ نفر گرفته تا صد و بیست مجلس اطلاق میشود اما اینکه آیا در وقت شروع بمذاکره و هنگام اخذ رأی حضور همه اعضاء مجلس حاضر مرکز لازم یا مقداری از آن کافی است و اکثریت هم نسبت به همه اعضاء مجلس حاضر مرکز یا مقداری از آن ملحوظ خواهد بود ماده ششم قانون اساسی ماده ۵۷ نظامنامه از بیان آنها سکت بوده و اعمال داشت بلکه اگر جلوگیری نمیشد ظهور کلی هم داشت که باید همه اعضاء مجلس حاضر مرکز در هر دو مقام حاضر باشند برای رفع آن اعمال جلوگیری از آن ظهور که ماده در تلو ماده ۶ گذارده شده ماده ۷ باشد و بودن ماده ۷ در تلو ماده شش بطوری میسراند که ماده ۶ نظر داشته و عدد لازم در هر دو مقام را در حاضر مرکز در ماده ۶ ذکر شده تعیین نمیدانند پس بنا بر این مراد از آن دو لفظ مجلس که ماده هفت مضاف الیه لفظ اعضاء شده اولی ثابت و دومی بجهت معلومیت مجذوف گردیده است همان مجلس مذکور در ماده ۶ است که عبارت باشد از هیئت مرکب از منتخبین طهران و مازاد الی صد و شصت و دو نفر و هیئت مرکب از شصت و یک و مازاد الی صد و بیست نفر به عبارت اخیری مجلس دوم که هر مرتبه که باشد از مراتب مذکور در وقت و سه ربه مجلس تمام کلی ایران که ۸۰ نفر و ۹ نفر باشد چنانکه تاکنون هم عمل بر این شده است و احتمال اینکه حکم دوم مقام همه درجات مجلس را ترک کرده به ذکر حکم و مقام یکی از آن درجات که صد و بیست باشد

با وجود ملاحظه متین بر اینکه این فرد در این دوره مقابله حصول است پرداخته اند بعد از حصول است و باید دانست که آنانکه مدتی حضور بهم رسانیده بمغایب شده اند بحکم آتانی میباشند که اصلاً حضور بهم رسانیده اند ایستاد اگر چه اعضاء مجلس تمام شمرده میشود لیک از اعضاء مجلس حاضر مرکز محسوب نیستند و گفته شد که مراد از مجلس در ماده ۶ و ماده ۷ مجلس حاضر در مرکز است و مراد از اعضاء اعضاء است پس لفظ قبیله که در ماده ۶ است که میگوید (در مدت فترت منتخبین ولایات تا آخر) شامل هر دو قبیله می باشد و فرقی میان این دو قبیله نیست چنانکه در ابتداء لای الحضور منتخبین طهران و پاشست و یک نفر ملت را حق درخواست افتتاح مجلس می باشد کذا که از عده حاضرین بگناه و نماند مگر شصت و یک نفر ملت را حق درخواست انباء مجلس خواهد بود و بنظر کمیسیون مراد از فقره ثانیه که می گوید اکثریت آراء وقتی حاصل می شود که بیش از نصف اعضاء مجلس رأی بدهند) این که اکثریت آراء یکی از دو طرف قبول ورد يك امر وقتی حاصل می شود که بیش از نصف اعضاء مجلس رأی بدهند و این معنی تقریبی است که گذشت بی اشکال است زیرا که قبول و رد هیچ امری قانونی نمی شود مگر آنکه اکثریت آراء قبول یابد و گذشته سه ربع اعضاء مجلس حاضر مرکز که تنزلاً ثانیه بمقام مجلس تام و کامل ایران و بجای تمام ملت قرار گرفته اند وقتی يك امر را قبول ریا رد قانونی می کنند که اکثر آن سه ربع که عبارت از بیش از نصف باشند یکی از دو طرف قبول ورد رأی بدهند و گاهی گمان می شود که مراد از این دو فقره حضور کردن حصول اکثریت آراء یکی از آن دو طرف ورد بیش از نصف حاضر مجلس باشد در این صورت اگر رأی دهند گمان یکی از صورت بود و در اکثر از دیگری شد آن اکثریت اکثریت مطلوبه است و این گمان صحیح نیست زیرا که مراد از اکثریت مطلوبه اگر اکثریت باشد اما اگر اکثریت تمام است در این صورت دانسته حاصل نمی شود چه عبارت از آن است که بیش از نصف بقبول و یا رد رأی بدهند و در این صورت که حاصل نشود چه مطلق رأی دهند گمان ممکن است که نصف بملاوه يك نفر باشند و سایرین امتناع کنند و این رأی دهند گمان هم در قسمت باشد يك قسمت بقبول رأی دهند و نسبت دیگر برد و اگر خیال شود که این گمان بملاحظه عدم وضعی دخول متضمن است در حاضر مجلس پس این خیال مانند آن گمان از غیر صحیح است اولاً بجهت اینکه اگر متضمن از حاضر محسوب نشوند کثیراً ما بین قانون اساسی عده برای اخذ رأی که ایت خواهد کرد و ثانیاً بمذاکره از عدم کفایت اگر بنا باشد که متضمن از حاضر محسوب نشوند فرقی میان اینکه رأی دهند گمان بیش از نصف حاضر باشند یا حکمتر از آن نخواهد بود .

**آقا شیخ رضا** - خواهش می کنم آن اصلاحی که پیشنهاد شده است خواننده شود چون حاصل این راپورت آن دو ماده است

**رئیس** - چون این دو ماده وقتو که آن راپورت داده شده بود در جلسه بود از این جهت هیئت رئیسه نتوانست قبل از وقت آنرا بمجلس طرح کند حالا آن دو ماده خوانده میشود .

( آقای فهیم الملك بیارت ذیل قرائت نمود )

ماده اولی - مراد از دولت و سه ربع اعضاء حاضرین در مرکز آن است .

ماده ثانیه - مراد از اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حاضر مجلس رأی بدهند ( اینکه اکثریت آراء یکی از قبول ورد وقتی حاصل می شود که اکثر حاضر مجلس کافی در اخذ رأی قبول ورد رأی بدهند .

**آقا شیخ رضا** - می خواستم توضیح این اصلاح را بکنم چون این راپورت بطور ماده پیشنهاد شده بود این است که لازم دید کمیسیون که بطور ماده پیشنهاد بکنند و همین طور خواننده شد دو ماده پیشنهاد کرد و برای توضیح ندهد دو مرتبه آن را می خوانم ماده اولی مراد از دولت و سه ربع اعضاء حاضرین مرکز است این اشکالی ندارد ماده ثانیه مراد از اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حاضر مجلس رأی بدهند اینک معنی مراد از این جمله که در قانون اساسی است این است که اکثریت آراء یکی از قبول ورد وقتی حاصل می شود که بیش از نصف حاضر مجلس کافی در اخذ رأی یکی از قبول ورد رأی بدهند این ماحصل نظر کمیسیون میباشد حالا اگر مجلس توضیحی از برای این ماده بخواهد عرض میکنم والا رأی بگیریم .

**رئیس** - عرض می کنم که این راپورتیکه طرح شده است مثل قانون نیست که در آن دو مورد باشد بلکه بعد از يك شود در آن رأی گرفته می شود حالا اگر مخالفی در این خصوص هست اظهار نماید

**حاج شیخ علی** - در اینجا نوشته شده است ماده اولی و ماده ثانیه این ماده اول و ثانیه يك عبارت و يك جمله قانونی است این باید یکجا مطلق باشد بنظر من این وضع خواهد شد از همین مواد منتهی که بعد از آن خواهد شد قانون اساسی و بعد يك ضمیمه امروز چاپ کرده اند و ما داده اند که مراد از دولت و سه ربع دولت و سه ربع اعضاء حاضرین در مرکز است باین ترتیب ممکن است که کم کم خیلی عده اعضاء مجلس کم شود بجهت اینکه همیشه سه ربع اعضاء حاضر در مرکز در مجلس حاضرند و اگر بنا شود که يك نفر از آنها خارج شد باز سه ربع اعضاء حاضرین که در مرکز قاطب اعتبار باشد همیشه می کم خواهد شد بلکه يك وقتی ممکن است عده مجلس به ۳۰ نفر برسد اینست که بنده يك جمله را پیشنهاد کرده ام که هرگز نباید عده حاضرین از ۶۱ نفر کمتر باشد والا سه ربع از اعضاء حاضر در مرکز این يك

جمله مبهمی است و می شود که نمایندگان اجازه بخواهند و بروند و همیشه ما سه ربع از نمایندگان حاضر مآخذ قرار بهمیم تا اینکه يك وقتی همان طور که عرض کردم عده از سی نفر کمتر شود دیگر اینکه نمی دانم این باید یکجا اضافه شود به قانون اساسی یا جای دیگر این را خوبست آقای معبر توضیح فرمایند .

**آقا شیخ رضا** - بنده تصور میکنم که اگر آقایان این راپورت را پیش میخوانند یاد وقتی که نشی ها میخوانند گوش میدهند دیگر برای این اشکالات معلی باقی نمی ماند ولی متأسفانه نه بیشتر میخوانند نه وقتی که میخوانند گوش می دهند اینست که این اشکالات فراهم می آید عرض میکنم که این دو ماده راجع است آنچه که در پیش گفته شده است این راپورت را اگر ملاحظه فرمائید اول عنوانش این است که می گوید دو فقره از بنده فتم قانون اساسی یکی اینکه میگوید در موقع شروع به مذاکره باید که دولت از اعضاء مجلس حاضر باشد و هنگام تحصیل رأی سه ربع از اعضاء حاضر بوده و دیگر اینکه میگوید که اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حاضر مجلس رأی بدهند که به کمیسیون تفسیر ارجاع شده بود کمیسیون مزبور رأی اکثر خود را با مقررات آن بطوریکه در ذیل ذکر میشود و به مجلس تقدیم نمینماید - این دو ماده راجع به همین دو فقره است که در اول راپورت نوشته شده است اگر بازم توضیح میخواهید عرض کنم و اما اینکه فرمودند فدی قرار بدهند این راجع است به نتواندن پیش از وقت و گوش ندادن در وقت خواندن در مجلس والا اینجا نوشته شده است که حد اقل آن نصف بملاوه يك تمام نمایندگان است که نصف بملاوه يكصد و بیست نفر یا صد و شصت نفر بوده باشد دیگر بیش از این عرض نمی کنم .

**رئیس** - آقای اسان الحکماء اصلاحی پیشنهاد کرده اند خواننده می شود .

( آقای فهیم الملك بیارت ذیل قرائت نمودند )

این بنده برای اصلاح تفسیر اصل هفتم قانون اساسی پیشنهاد می نماید برای جمله اول و دوم اینکه نوشته شده است (در موقع شروع به مذاکرات باید اقل دولت اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع از اعضاء حاضر بوده ) ماده تفسیر به اول - نمایندگان که صحت انتخاب نامه آنان در مجلس تصدیق شده و در شهر یا بخت هستند جزء اعضاء در مجلس محسوب میشوند که برای دو ثلث مذاکره سه ربع رأی در شمار خواهند بود ( برای جمله دوم - این نوشته شده [وا اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حاضر مجلس رأی بدهند (ماده تفسیر به دوم) لفظ مجلس شورای ملی به هیئت جامعه از نمایندگان که حق رأی در مجلس پیدا میکنند اطلاق میشود اعم از اینکه چه وحش نفر یا بیشتر تا یکصد و بیست نفر باشند پس موافق جمله سوم اصل هفتم قانون اساسی باید همیشه بیش از نصف آن هیئت جامعه که مجلس خوانده میشود رأی مثبت یا منفی بدهند تا اکثریت آراء مجلس شورای ملی محسوب شود .

**لسان الحکماء** - بنده اینکه عرض کردم تصدیق دادم این مطلبی را که آقای معبر اظهار کردند ولی این ماده را که کمیسیون پیشنهاد کرده است بطوری نوشته شده است که ترتیب پارلمانی نیست تا اینکه بشود در آن رأی گرفت باین جهت بنده همان را بصورت ماده تفسیر به عرض میکنم و برای توضیح که اینجا در این اصل از قانون اساسی سه جمله بود یکی برای مذاکره و یکی برای رأی که نوشته شده است و ثلث باید حاضر شوند برای مذاکره و سه ربع برای اخذ رأی تفسیر این جمله اینطور پیشنهاد کرده ام که نمایندگان که صحت انتخاب نامه آنان در مجلس تصدیق شده و در شهر یا بخت هستند جزء اعضاء مجلس محسوب میشوند که برای دو ثلث مذاکره سه ربع رأی در شمار خواهند بود این يك ماده ای است که مجلس میتواند در آن جرح و تعدیل نماید و اینکه اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حاضر مجلس رأی بدهند اینطور عرض کرده ام که لفظ مجلس شورای ملی به هیئت جامعه از نمایندگان که حق رأی در مجلس پیدا میکنند اطلاق میشود اعم از اینکه ۶ نفر یا بیشتر یا یکصد و بیست نفر باشند پس موافق جمله سیم اصل هفتم قانون اساسی باید همیشه بیش از نصف آن هیئت جامعه که مجلس خوانده میشود رأی مثبت یا منفی بدهند تا اکثریت آراء مجلس شورای ملی محسوب شود آن هیئت جامعه چه چیز است آن هیئت جامعه عبارت میشود از مجلس شورای ملی و چون سه ربع از آنها حق رأی دارند پس مجلس شورای ملی میتواند با آن ۶ نفر رأی بگیرد و رفع آن اشکال آقای حاجی شیخی هم میشود نمیشود عده از آن سه ربع که ۶ نفر است که میشود یعنی همیشه باید شصت و یک نفر در هر مجلس حاضر باشند تا اینکه سه ربع از آنها بتوانند رأی بدهند و این تفسیری که فرموده ام خیلی صحیح و بجای است ولی چون ترتیب مجلس نوشته نشده است نمیشود در آن رأی گرفت این است که بنده اینطور عرض کرده ام دیگر بنده است به رأی مجلس .

**رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا - عرض بنده راجع بدوامت و مخالفت نیست دو کلمه میخوانم سؤال بکنم چون میبینم که اکثریت را عبارت از ۶۱ نفر میدانند و حال اینکه عبارت عده نمایندگان به آقایانیکه بصورت شانه میشود (صد و بیست و پنج نفر است) و در این صورت نصف بملاوه يك ۶۳ نفر میشود چطور میفرمایید شصت و یک نفر اگر اشتباه کرده ام که بفرمائید .

**رئیس** - پس مخالف هستید چطور میفرمائید که نه مخالف هستم و نه موافق .

**آقا شیخ رضا** - عرض میکنم آقا نسبت به ماده اولی ضرورت ندارد که همانطوریکه شاهزاده پیشنهاد کرده نوشته شود برای اینکه روش تر است ولی راجع بماده ثانیه چون در پیشنهاد کمیسیون اینطور راجع سوم اصل هفتم قانون اساسی باید همیشه بیش از نصف آن هیئت جامعه که مجلس خوانده میشود و رد وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حاضر مجلس کافی در اخذ رأی و این خودش مطلب را

میسراند چونکه اکثریت حاضر کافی در اخذ رأی اولی مرتبه اش ۶۱ نفر است و از او گرفته می رود تا صد و بیست نفر چون همین قدر مطلب را میسراند کمیسیون لازم ندانست که بیش از این شرح بدهد و اگر بنا بود که بیش از این رأی بدهیم پیشنهاد میکردیم که بنام راپورت رأی گرفته شود ولی چون لازم ندانست که پیشنهاد گردید همین دو ماده رأی گرفته شود .

**رئیس** - دیگر مخالفی هست پس رأی خواهیم گرفت .

**حاج عز الممالک** - بنده مخالفم با اینکه رأی گرفته شود و باید دو شود بشود .

**رئیس** - بسته است برای مجلس ولی عقیده بنده این است که این يك قانون جدیدی نیست که در آن دوشور باشد معنی و تفسیر يك قانونی است که وضع شده است با وجود این اگر مجلس بخواهد که دوشور در آن باشد این را شورا اول قرار بدهیم

**آقا شیخ رضا** - بنده تقاضای فوریت این را می کنم و جهت تفریش هم این است که اولاً کسانیکه برخلاف این راپورت صحبت میکردند نظرات خودشانرا از یکسال پیش حاضر کرده اند اگر امروز يك مخالفی دارند اظهار بکنند که تکلیف معلوم بشود دیگر اینکه این مسئله خودش يك گرفتاری شده است برای مجلس برای اینکه در خیلی از اوقات مجلس متعیر می ماند که نتیجه از مطلب مطرح شده حاصل شده است یا حاصل نشده است برای اینکه عده آراء همین نیست که از روی چه ماخذی باید محسوب و مناط اعتبار باشد از این جهت آن اشخاصی که مخالف این راپورت هستند ایشان را اظهار بکنند و رأی گرفته شود دیگر حاجت بدو شور نیست .

**رئیس** - تفاوت نمیکند اول باید این مسئله حل بشود که بعد از این بدانیم این قسم مطالب که به مجلس می آید حالت قانون را خواهد داشت یعنی باید دوشور در آن شود با اینکه يك شور کافی است و اینکه اینجا تقاضای فوریت کردید مثل این است که این مطلب دوشور لازم دارد لکن تقاضای فوریت کرده اید که در آن يك شور بشود .

**آقا شیخ رضا** - بنده من باب الاحتیاط این تقاضا را کردم والا همانطور که آقای رئیس فرمودند نظرم بود که در مورد این قبیل مطالب مثل قوانین نباید رفتار بشود ولی چون محل اختلاف بود از این جهت تقاضای فوریت کردم که زودتر بگذرد .

**حاج آقا** - بنده همین مطلبی را که آقای رئیس فرمودند می خواستم عرض کنم که این خیلی واضح است که این قبیل مطالب مثل مواد قانون نیست که بخواهیم در آنها دوشور بکنیم و البته آن نظرها هم که آقای آقا شیخ رضا داشتند من باب الاحتیاط همان طوری که فرمودند این تقاضا را کردم که در آن يك شور بشود والا احمدی گمان نمیکند که اشکال بکنند در این مطلب و بگوید که اینست مطلب ثانوی و باید در آن دو شود





باشد و اینکه می فرمایند کلیه رای دهندگان پیش از  
منتخبین باشند منحصراً با اکثریت تمام نیست متلافرش  
بفرمائید شصت و یک نفر حاضر در مدرک و حاضر  
در مجلس هستند و از شصت و یک نفر یازده نفر امتناع  
کردند و رای نداشتند می ماند پنجاه نفر از پنجاه نفر  
۶۶ نفر رای بقبول دادند بیست و چهار نفر رای برد  
دادند اینجا آیا اکثریت تمام شده است یا اکثریت  
نسبی است بنا بر آن چیزی که آقای حاج آقا  
می فرمایند اکثریت تمام شده است بجهت این که  
رای دهندگان پنجاه نفر بودند و منتخبین  
یازده نفر و خود را دین و قایلین را هم  
که از نظر آقای حاج آقا ملاحظه کنیم باز اکثریت  
بدست آمده بجهت اینکه بدیهی است بیست و شش  
پیش از بیست و چهار است ولی در نظر کمیسیون این  
رای نتیجه ندادند است پس اگر حاج آقا می فرمایند  
که اکثریت حاصل شده است بدیهی است که اکثریت  
نسبی را می خواهند معتبر بدانند در گذراندن قوانین  
آن وقت اگر نظرمان باین اکثریت نسبی باشد  
دیگر محتاج باین نیستیم که بیش از نصف حاضر  
رای دهندگان باشند بجهت اینکه در این صورت  
بیش از نصف حاضر منتخبین هم باشد اکثریت حاصل  
میشود بجهت اینکه فرض میکنیم صد بیست نفر  
نمایند که حاضر شصت و یک نفر منتخبین شدند  
الباقی پنجاه نفر می ماند آن هم صد و شصت تقسیم میشود  
رای و قابل اکثریت که قابل شد آن وقت آن نتیجه  
بدست می آید یعنی اکثریت حاصل شده است بجهت  
اینکه ما منتخبین را که جزء رای دهندگان محسوب  
نمی کنیم اکثریت را در آراء ثابت یا نایه محسوب  
می کنیم آن وقت هیچ لازم نیست که بگوئیم که  
نصف بلامرغه حالا اگر آقای حاج آقا می خواهند  
این را اصلاح نمایند ما هیچ مضایقه نداریم که اکثریت  
نسبی را بقبول کنیم لکن تصور می کنیم که ما نمیتوانیم  
این قید را در اینجا یک چیز را ندی بدانیم تا اینکه  
اظهار آقای حاج آقا صریح بشود و اکثریت نسبی را  
کافی بدانیم .

**حاج وکیل الرعایا** - آنچه که بنده در نظر

دارم که سبب شد برای اینکه یک تفسیری برای این قانون  
بشود این بود که برای تفسیر این قانون ما محتاج شدیم  
که حد اقل مجلس را بشناسیم برای دو مطلب یکی از  
برای شروع در مذاکره یکی هم برای اخذ رای و از  
چیزی که ما محتاج هستیم تا حد اقل است بجهت اینکه  
هیچوقت نباید حداکثر را قید کرد بجهت اینکه حد  
اکثر مانع نیست باید تعیین حداقل را کرد و این هم در  
دو جا مبین شده است یکی در قانون اساسی و یکی هم  
در قانون انتخابات که آراء هم هنوز نسخ نکرده ایم  
و یک چیزی بجای اونگذارده ایم در نظامنامه انتخابات  
میگوید همین که نصف بلامرغه یک نفر از نمایندگان ملت  
کسب و یک نفر باشند در طهران حاضر شده مجلس  
افتتاح میشود لکن دیگر نمیگوید که همیشه اینها باید  
حضور داشته باشند و بعد از افتتاح مجلس هر یک از  
نمایندگان که بواسطه عدم صحت اعتبارنامه رد شده و  
عدم کسر شد سبب نمیشود که مجلس بهم بقدر مجلس  
باز بجای خود باقی خواهد بود پس ما نمیتوانیم اینجا  
اظهار می کردیم بجهت و یک بگوئیم چه دلوشش  
کافی نباشد .

**رئیس** - مذاکرات کافی است یک اصلاحی

هم از طرف آقای ذکاء الملک پیشنهاد شده است  
خوانده می شود و رای گرفته می شود [ بعضی اظهار  
داشتند مذاکرات کافی نیست و باید قدری مذاکره  
شود ]

**رئیس** - چون بعضی مذاکرات را کافی

می دانند و بعضی کافی نمی دانند پس از برای اینکه  
معلوم شود که مذاکرات کافی است یا کافی نیست رای  
می گیریم آقایانی که مذاکرات را در ماده دوم کافی  
می دانند قیام نمایند ( در ضمن معلوم می شود که مذاکرات  
کافی نیست آقای زنجانی بفرماید ) .

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - مذاکراتی

که این جا شد ما را از اصل مطلب دور انداخت ما را  
حال در دو چیز اشکال داشتیم یکی این است که ما  
در وقتی که می خواهیم رای بگیریم نمایندگان که  
در طهران حاضر نیستند آنها را هم حساب کنیم یا  
آنها که در طهران هستند آنها را حساب نکنیم اما

این که مجلس وقت افتتاح می شود اقلش چقدر  
باید باشد ابتدا ربعلی باین مطلب ندارد و خارج از  
موضوع مطلب ما است مطلب در این بود که نمایندگان  
که در طهران حاضرند در هنگام اخذ رای ۳ ربع از  
آنها را محسوب کنیم ۲ ربع از کل نمایندگان  
محسوب کنیم چه آنها که در طهران هستند چه آنها  
که غایب هستند و در خارج هستند این است که تفسیر  
شده است که نمایندگان که در طهران هستند ۳ ربع  
از آنها که حاضر شده اند می گیریم خوب هم تفسیر  
را نوشته است و مقصود کسیکه این قانون اساسی را ایجاد  
کرده و این قانون اساسی از روی آن بر داشته شده  
است بعد از آن تغییراتی که بسبب مقتضیات وقت در آن  
داده اند این نبوده است هیچوقت چنین نظری نداشتند  
که نماینده که در طهران نیست جزء رای دهندگان  
محسوب شود یا تشریح در رای باشد و اینست که بود که  
اسباب اختلاف در مجلس شد و حالا میخواهیم رقم آن  
اختلاف را بکنیم اگر چه بنده نمیخواهم عرض بکنم  
و هر چه از اول تا بحال خواستم عرض نکنم و جزء  
همان رای دهندگان باشم دیم نه شده و بیش از آنچه  
که من اسما کردم و امید داشتم که ما کفایت ختم شود  
اصراف شد این است که حالا عرض میکنم ما تشکیل  
میتوانیم بکنیم مجلس را بوجود شصت و یک نفر نماینده  
و میتوانیم بعضی از آنها را خارج بکنیم در مجلس  
داشته باشیم و میتوانیم بعد از تشکیل مجلس بوجود  
شصت و یک نفر بوجود شصت و یک نفر در مجلس داشته باشیم  
و بعد میتوانیم رئیس بوجود سه ربع از آن که مثلا  
چهار شصت نفر همه تمام اعضاء مجلس است اخذ رای نماید  
و اکثریت هم وقتی حاصل میشود که نصف بلامرغه یک نفر  
بمانند یقیناً یا اثباتاً و امتناعیون را نمیتوانیم جزء  
انها محسوب بدانیم این است که اکثریت را بشناسیم  
و اینجاست دیگر جای لفظ باید است که باید نصف  
بلامرغه پس رای بنده است که اکثریت باشد و این مسئله  
که در این مملکت باید اجرا شود باید بقبول چنین  
اکثریتی باشد و دسان می کنیم نه ۶۶ نفر را  
می توانیم حداقل فراد بدیم نه آن ترتیبی را که  
در اکثریت آراء می گویند این مردود را بنده  
بعقیده خودم رد می کنم و تصور می کنم بر بیجا  
هم نباشد .

**محمدعلی هاشم میرزا** - تمام اشکالاتی که ما

داشتیم تمام راجع باین بود که وقتیکه از دو طرف  
رد و قبول نمی دانستیم که این را در بدایت بقبول  
یا مهمل بدانیم تا دفعه دیگر در آن مذاکره رای  
بگیریم مثل اینکه بیست دفعه دیگر در آن مذاکره  
شد و از نصف هم بطورمانند با اینکه بدلیل سایر دیگری  
در آورده شد و گذشت با اینکه هم بطورمانند است و منتظر  
همین تفسیرات است همین تفسیرات است که میکنیم و بعضی  
تفسیرات از قبیل تفسیر حاج آقا من بعد از آن چه جور تفسیری  
است و این را چه طور در دست بگیریم و حال آنکه تمام مقصود  
از اصول شورویت و مقصود از پارلمان اکثریت آراء  
است و باید معلوم شود که رای دهند با لفظ است  
نه بالامکان و آن رای دهند باید قبول کند یا رد  
و امتناع را بعقیده بنده نمیشود که ابتدا جزء رای  
دهندگان محسوب کرد امتناع بی رای صرف است  
ولی رای جزء رای نیست و باید رای دهند اکثریتش  
مناط اعتبار باشد و این ترتیب هیچ دفع اشکال ما را  
نمی کند بواسطه اینکه امتناع نه جزء قبول شمرده

میشود نه جزء رای فرمایشی که حاج آقا  
می فرمایند ابتدا صریح بضر نمی آید بجهت اینکه  
اگر شصت و یک نفری که می فرمایند بوجود آنها مجلس  
تشکیل میشود ممکن است به رای شانزده نفر از  
آنها مطالبی بگذرد و چون این فرما ساکت باشند  
یا رد کرده باشند و این برخلاف آن چیزی است  
که ما زحمت کشیده ایم از برای آن و امور ملت  
را بر روی آن گذارده ایم که عبارت باشد از اکثریت  
ملت که اکثریت ملت حاصل میشود در اکثریت  
نمایندگان ملت تا اینکه رضا و مقصود و عقیده ملت  
حاصل شده باشد و عقیده ملت در پارلمان نبوده  
شود و از این فرمایشی که آقای حاج آقا فرمودند  
خلاف این مقصود حاصل میشود خوب است مقصود  
خودشان را توضیح بدهند بطوریکه اگر مقصودشان  
قرار این است که عرض کردم تا بنده هم بفهمم .

**حاج آقا** - بنده بعد از این همه مذاکرات

حضرت اقدس والا تعهد می کنم که ایشان مخالف بمانند  
بودند یا موافق یا بنده بودند پس اول مقصود خودم  
را عرض میکنم و گمان میکنم خیلی واضح هم باشد  
یک عبارت در قانون اساسی که نوشته است راجع  
بماده اول که گذشت و رجوع شد بکمیسیون حالا  
باید فقط در آنچه مناط اکثریت یا مناط اثبات  
یا نفی قانون است مذاکره کنیم این با جمله است  
که نوشته شده است در قانون اساسی و اکثریت آراء  
وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حاضر مجلس  
رای بدهند و مجرد کمیسیون خوب عرض بنده را تشریح  
کردند و همان مراد بنده بود مدار وقتیکه یک  
مطلبی را مطرح فرماییم حلالی از چند قسم است  
یا این است که در آن مطلب رای اثباتی دارند و آن  
مطلب بنظرشان حق میباشد یا آنکه آن مطلب  
بنظرشان باطل می آید و نفی می کنند یا آنکه ایشان  
جایز بیکی از دو طرف میشوند آن امتناع است  
و اگر یک کسی جایز بشود در یک ماده آن وقت عرض  
بنده را ملتفت خواهید شد و محل ظهور عرض بنده  
است و اگر کسی تأمل کند عرض بنده را تصدیق  
خواهد کرد که مقصود از رای دهندگان آن کسانی  
هستند که اثبات یا رد می کنند آن عبارتیکه آقای  
آقای شیخ ابراهیم فرمودند که باید دید کدام طرف اکثریت  
دارد مثلا رای با امتناع هم ممکن است اکثریت پیدا  
کند بجهت امتناع از رای نیست هم بطوریکه تا هزاره  
فرمودند امتناع یعنی بی رای و بی رای چه طور میشود  
جز آراء ثبوت یا نفی محسوب شود پس رای دهند  
آنها می هستند که رای به ثبوت یا نفی میدهند در  
یک قانونی و یا چیزی را که میتوانیم قاطع بگیریم  
اکثریت رای دهندند است که آن قاطع است و آنکه  
آقای شیخ ابراهیم فرمودند که باید دید کدام  
یک از آن سه قسم اکثریت دارند که یکی از آن  
اقسام ثبوت را رای با امتناع تصور فرمودند گمان  
میکند که رای امتناع رای نیست و لا رای است پس  
ما که میکنیم اکثریت رای دهندگان پس آگاهی  
که یک مطلبی را قبول بدار کرده اند و یک اشکالی  
هم آقای شیخ فرمودند که مراد از اکثریت اکثریت نسبی  
است یا اکثریت تمام لازم است این مطلب را توضیح  
کنم البته خاطر آقایان مستحضر است باینکه وقتی

که با اکثریت تمام یا اکثریت نسبی میکنیم نمی  
توانیم اکثریت تمام بقبول مطلق یا اکثریت نسبی بقبول  
مطلق گفت مختلف نمیشود چه بسا اکثریت نام در  
یک جماعتی اکثریت نسبی است نسبت به جماعت دیگر  
بواسطه اینکه اتفاق نام بقبول مطلق را هم در مجلس  
شورای ملی نمی توان اتفاق گفت بجهت اینکه این  
اتفاق در برابر یک جماعتی سه برابر مجلس شورای  
ملی اکثریت نسبی است تصور میکنم مطلب خیلی  
واضح باشد که ملاک در اکثریت رای دهندگان است  
وقتی که عده رای دهندگان شد آن وقت معلوم است  
که نصف بلامرغه یک که گفتیم تمام است اکثریت نسبی  
نیست و آن وقت بدیهی است نصف بلامرغه یک این  
نصف از کجا است نصف بلامرغه یک از رای دهندگان  
است بجهت اینکه میزان را رای دهندگان گرفتیم و  
در امتناع را رای نگرفتیم و هیچ اهمیت با او  
نداده ایم آن وقت آن رای دهندند که  
نصف بلامرغه یک است خواه رای بقبول بیاورد داده باشد  
آن رای قاطع است اکثریت تمام است و لو اینکه  
آن اکثریت تا نسبت بعد تمام مجلس نسبی باشد ولی  
چون ما امتناعیون را بیرون کردیم این است که این  
اکثریت را مناط اعتبار گرفتیم مثلا تصور بفرمائید  
که عده مجلس شصت و یک نفر است یازده نفر امتناع  
کرده اند در رای بیست و چهار نفر در کرده بیست و شش  
نفر قبول کرده اند یعنی رای اثبات داده اند در این صورت  
با اکثریت رای دهندگان که بیست و شش نفر باشد آن  
مطلب با آن قانون گذشته است و این را آقای مخبر  
غریب شمرند که مطلبی را شصت و یک نفر باید بگذرانند  
بیست و شش نفر گذرانند و بنده این استعجاب و  
غریب شمرند را غریب میدانم بجهت اینکه چه طور  
این استعجاب و تعجب از برای آقا حاصل نمیشد وقتی  
کالین یازده نفر که حالا لا رای هستند غایب بودند  
آن وقت عده پنجاه نفر میشد از پنجاه نفر دیگر بیست و شش  
نفر رای اثبات میداد و بیست و چهار نفر رد میکرد  
آن وقت اکثریت مجلس عبارت از بیست و شش نفر بود  
و قاطع بود و امورات مملکتی را اداره میکرد و نظری  
بغایتین نداشتند و این استعجاب حاصل میشد حالا که  
حاضرند این یازده نفر منتفی رای ندارند نمیشود رای  
این بیست و شش نفر قاطع باشد این یک استعجاب است که  
ربعلی قانون گذاری را در ادالت وقتیکه یک جمعی که  
یک مطلبی هر کدام نظرات خودشان را گفتند و یک  
یازده نفری از آقایان ممکن است در آن مطلب نه رای  
بقبول و نه رای بعدم قبول پیدا کنند آن وقت در واقع  
آنها مثل غالبین میشوند اگر درست در معنی که عرض  
کردم توجه بشود گمان میکنم هیچ اشکال باقی نماند و این  
اکثریتی را که عرض کردم اکثریت تمام است  
نسبی .

**رئیس** - حالاده دقیقه تنفس میشود بد شروع

بمذاکره میکنیم .  
مجدداً نسیاست قبل از فریب مجلس افتتاح و یک  
ربع فریب مانده جلسه تشکیل شد .  
**رئیس** - آقای مخبر توضیحی داشتید بفرمائید .  
**آقای شیخ رضا** - بسبب ظاهر در مجلس مخالف  
مضمون را بپورت دیده نمیشود مگر آقای حاج آقای  
لازم است نظر اینکه ایشان داشتند خودشان هم که  
تشریح ندارند بنده عرض کنم بمدرای گرفته شود اگر  
مجلس تصویب بکنند بنده تشفی کردم در عرض  
مطلب را که به پیشین تشفیات آقای حاج آقا رضا  
خواهند داد اگر چه مع التماس آقای حاج آقا بیك  
ظلمتی آن تشفیات را تصور فرمودند لکن گمان میکنم  
بمدار تأمل خودشان تصدیق بفرمایند که اینطور نباشد  
عرض کردم که قانون اساسی همینقدر میگوید اکثریت  
وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حاضر رای  
دهنده باشند اگر چه این عرض بنده مکرر است  
لکن مکرر کردن مطلب را روشن تر میکند  
و از این تکرار بنده عذر میخواهم عرض کردم  
آن نظریکه آقای حاج آقا داشتند که اکثریت وقتی  
حاصل میشود که بیش از نصف حاضر رای دهندند  
باشد اهم از قبول و رد این اکثریت که می فرمایند  
آن وقت حاصل میشود کدام اکثریت را می فرمایند  
اگر آن اکثریت زیاد است که نصف بلامرغه یک  
است عرض کردم که آن بطور مطلق ممکن است حاصل  
نشود چنانچه در آن مثل عرض کردم که شصت و یک  
نفر در مجلس باشد و یازده نفر امتناع کنند باقی  
پنجاه نفر است بیست و شش نفر قبول و بیست و  
چهار نفر رد کنند در این صورت می بینیم که اکثریت  
تمام یعنی نصف از حاضران بلامرغه یک رای داده باشند  
یا بقبول بیاورد این نشده است پس آنطوری که حاج  
آقا اظهار کردند باید بفرمایند که مراد از این  
اکثریت قانون اساسی اعتبار دادن با اکثریت نسبی  
است آن وقت بنده تقاضا کردم که آن اشکال را  
باین برده است که اکثریت نسبی قاطع باشد آن  
وقت یا نسبت بگوئیم که اکثریت نسبی وقتی حاصل  
میشود که بیش از نصف حاضر رای بدهند و اگر  
این را از قانون اساسی بیرون بیاورند یعنی قانون  
اساسی این را برساند و ایشان بیان کنند اگر چه  
بنده ادرا باطل می دانم و بنده هم باطل است لکن  
چون کمیسیون مفسر است نه قانون آورنده مجبور  
بود که قبول نمایند لکن قانون اساسی این را نمی رساند  
حالا که خود آقای حاج آقا نیستند این جا خوب  
است آقایان منتقد باشند این اشکال اگر وارد است  
چیزی نمی توانیم بگوئیم که خلاف مواد قانون اساسی  
باشد و باید بر وفق قانون اساسی تفسیر بکنیم عرض  
کردم اگر مراد اکثریت نسبی بود تصور میکردم  
بیش از نصف حاضر قید نمی شد تا در وقتی که هیئت  
محترم را بنده را که فقط برای امور مجلس محترم  
است انتخاب می کنیم اکثریت مجلس را لازم میدانم  
اما وقتیکه گذراید که قوانین در مملکتی که بسته  
بقبول و رد هیئت جامعه ملت است باید اکثریت مجلس  
رای بدهند تا اکثریت ملت حاصل شده باشد آنرا  
لازم ندانیم این خیلی محل تعجب است و آن وقت  
آن مقصد که حکومت اکثریت است حاصل نمیشود  
پس از روی این فلسفه هم درست نمی آید پس اگر  
آقای حاج آقا اکثریت را نسبی میدانند باید این  
اشکال را توضیح بدهند که چگونه رفع خواهد کرد

مجلس تصویب بکنند بنده تشفی کردم در عرض  
مطلب را که به پیشین تشفیات آقای حاج آقا رضا  
خواهند داد اگر چه مع التماس آقای حاج آقا بیك  
ظلمتی آن تشفیات را تصور فرمودند لکن گمان میکنم  
بمدار تأمل خودشان تصدیق بفرمایند که اینطور نباشد  
عرض کردم که قانون اساسی همینقدر میگوید اکثریت  
وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حاضر رای  
دهنده باشند اگر چه این عرض بنده مکرر است  
لکن مکرر کردن مطلب را روشن تر میکند  
و از این تکرار بنده عذر میخواهم عرض کردم  
آن نظریکه آقای حاج آقا داشتند که اکثریت وقتی  
حاصل میشود که بیش از نصف حاضر رای دهندند  
باشد اهم از قبول و رد این اکثریت که می فرمایند  
آن وقت حاصل میشود کدام اکثریت را می فرمایند  
اگر آن اکثریت زیاد است که نصف بلامرغه یک  
است عرض کردم که آن بطور مطلق ممکن است حاصل  
نشود چنانچه در آن مثل عرض کردم که شصت و یک  
نفر در مجلس باشد و یازده نفر امتناع کنند باقی  
پنجاه نفر است بیست و شش نفر قبول و بیست و  
چهار نفر رد کنند در این صورت می بینیم که اکثریت  
تمام یعنی نصف از حاضران بلامرغه یک رای داده باشند  
یا بقبول بیاورد این نشده است پس آنطوری که حاج  
آقا اظهار کردند باید بفرمایند که مراد از این  
اکثریت قانون اساسی اعتبار دادن با اکثریت نسبی  
است آن وقت بنده تقاضا کردم که آن اشکال را  
باین برده است که اکثریت نسبی قاطع باشد آن  
وقت یا نسبت بگوئیم که اکثریت نسبی وقتی حاصل  
میشود که بیش از نصف حاضر رای بدهند و اگر  
این را از قانون اساسی بیرون بیاورند یعنی قانون  
اساسی این را برساند و ایشان بیان کنند اگر چه  
بنده ادرا باطل می دانم و بنده هم باطل است لکن  
چون کمیسیون مفسر است نه قانون آورنده مجبور  
بود که قبول نمایند لکن قانون اساسی این را نمی رساند  
حالا که خود آقای حاج آقا نیستند این جا خوب  
است آقایان منتقد باشند این اشکال اگر وارد است  
چیزی نمی توانیم بگوئیم که خلاف مواد قانون اساسی  
باشد و باید بر وفق قانون اساسی تفسیر بکنیم عرض  
کردم اگر مراد اکثریت نسبی بود تصور میکردم  
بیش از نصف حاضر قید نمی شد تا در وقتی که هیئت  
محترم را بنده را که فقط برای امور مجلس محترم  
است انتخاب می کنیم اکثریت مجلس را لازم میدانم  
اما وقتیکه گذراید که قوانین در مملکتی که بسته  
بقبول و رد هیئت جامعه ملت است باید اکثریت مجلس  
رای بدهند تا اکثریت ملت حاصل شده باشد آنرا  
لازم ندانیم این خیلی محل تعجب است و آن وقت  
آن مقصد که حکومت اکثریت است حاصل نمیشود  
پس از روی این فلسفه هم درست نمی آید پس اگر  
آقای حاج آقا اکثریت را نسبی میدانند باید این  
اشکال را توضیح بدهند که چگونه رفع خواهد کرد  
خوانده میشود و رای گرفته میشود .